

# قیام ایران

زیرنظرشورای نویسندگان

لیکن این بروز در سیاست اسلامی ایران

## پیام دکتر شایور بختیار، به هم میهنان مسیحی

### بمناسبت آغاز سال ۱۹۸۶

آغاز سال ۱۹۸۶ مسیحی را، با صمیماً نهترین درودها و بهترین آرزوها! خود برای رهائی آزادی وطن عزیزمان، بشما تهییت می‌گوییم. نزدیک هفت سال است که مردم ایران، بخصوص اقلیت‌های مذهبی در فضای ترور و وحشتی که بی‌شک در تاریخ چندهزار ساله ایران، سبقه ندارد به سرمی برند. هم میهنان مسیحی ما، در مبارزه با رژیم خدا برانی و آزادی کش روحانی شما یان، که از تاختتین روز غصب قدرت، روش و برنا مهای جز سرکوب براده، ملی و کشاورآزادی خواهان و وطن پرستان نداشته‌است، رسالت ملی خویش را، هم بیمان و همگام با سایر هموطنان خودان نجات می‌دهند و دوست داشت آنان با رژیم فاجعه‌فرین ملایان حاکمی جنگند. امروز، ماه قصد استقرار حکمیت ملی و این اصل انسانی مبارزه‌می‌کنیم که اراده، مردم فارغ از جنسیت و دیانت و مذهب، منشاء همه تضمیم کبری‌ها و سرجشه مقدرات کشور است. در این آغاز سال نو مسیحی، به همه هم میهنان آزادی خواه، اعیان از مسلمان و غیر مسلمان تو بدمی دهیم که روزگار قدرت این دیوان آدم شما رویه‌یا یان است و من با آرزو و میدیها یکنہ سال آینه این عید را در ایران آزاد شده به شما تبریک بگویم، دست همه شوارا به گرمی می‌فشارم.

## تعطیل "اسلام راستین"

دینی و مبنی بر رهایی حکومت از زدین اعلام میدارد. چنین شعبده‌ی از سوی این تاریک‌اندیشان - که بینندۀ تعلیمات و اندیشگی شان از افراط‌های واپسگار و خرافاتی مایه می‌گیرد - نشان از سراسری شکست و آدیار دارد. ماجدین که پس از بیست سال دعوی "مبارزه بخاطر استقرار جامعه" بی طقبه توحیدی و برقراری حکومت صاحب‌الزمان "پیکاره در پا یخت" فراسه، هم‌ایرانیان پیرو ادیان و مذاهب گوناگون از انتخاب‌کوئی و انتخاب شدن "پیرا بری" بینند، از آنست که دریافت‌های ملت ایران دیگر بهیج روى زیربا رحکومتی دینی نخواهد گرفت و امردین را برای همیشگاه زا مر تازه، بخیال خود برای فربیکاری و گندم‌نمایی زیر طرحی امضا گذاشتند که بینا بر آن حکومت آینده ایران را غیر نشان از سراسری شکست و آدیار دارد. ماجدین که پس از بیست سال دعوی "مبارزه بخاطر استقرار جامعه" بی طقبه توحیدی و برقراری حکومت صاحب‌الزمان "پیکاره در پا یخت" فراسه، هم‌ایرانیان پیرو ادیان و مذاهب گوناگون از انتخاب‌کوئی و انتخاب شدن "پیرا بری" بینند، از آنست که دریافت‌های ملت ایران دیگر بهیج روى زیربا رحکومتی دینی نخواهد گرفت و امردین را برای همیشگاه زا مر تازه، بخیال خود برای فربیکاری و گندم‌نمایی زیر طرحی امضا گذاشتند که بینا بر آن حکومت آینده ایران را غیر

مجاهدین خلق ذریک تناقض بحران زا و تازه، بخیال خود برای فربیکاری و گندم‌نمایی زیر طرحی امضا گذاشتند که بینا بر آن حکومت آینده ایران را غیر

## حافظه تاریخ

پیام شوم آخوندگویی که مثل هم‌عیا یان دیگر، هنرشناس شده است و سیاست و حکومت کناره داده است. هفت سال - تجربه، استبداد دینی خمینی، جاشی برای هیچ نوع فکر حاکمیت دینی و مذهبی باقی نگذاشتند و این پاک محمدی اشاره کند و از هنرمندان می خواهد که در آن خود، محتدهای تکان دهندگان از یکی راچگی و یکدلی و محبت و مودت بیان فرینند. زیرا امروز، هنربرنده ترین سلاح است. سلاحی که می توان آن را علیه دشمنان اسلام به کار ببرد! در این جشنواره، پیش‌نهاده که از هنرمندان داشته باشد همانا برپا بی رسوایی تازه و اشکار شدن تناقض‌های خطرناک در اختیان مترزلزل فکریان است.

صفحه ۱۱ را مطالعه فرمائید.

## مرجع تفريح!

در صفحه ۱۲

## از هم امروز در اندیشه فدا

شگاه‌به‌آنده‌چشم نمی‌بوشد و بهیج است

توجه و اصرار و تکرار رنگ ایندیشه هیبت گیرود و رمقابله با رژیم و آرایش شریعت و نهاده روشن بینه است. دست کم از احسان مستولیت است. دستگار به چطور بیگدار به آب زدن به غرق شدن هم می‌نجاد. هشدار و حکم عقل و تجریه است که از همین حالا و در تدبی و تابا کوشش بخاطر باندازی، با یاری در ندیشه فردا تیزیو، باید روز این فرض تا مل و تکیه کرد آن را گونه و بیان چهار پدپرکرد. تا تیره بختی تکرار نشود. هیچ مهلتی در کار نیست تا وقتی صرف باش به "این یک" گردد که مدعی شود که برای قاتل و سهم سردم شیزی قاتل نیست، در و هام خود ظالم شده و تنها توصیه اش این است که باید چشم بدار و منتظر نشست تا زمانی روشن شود که اراده "ارباب دنیا" سروش مار از دریچه قاتلی خواهد بود. تغییب اش کن، آزارش بده، عرصه را برآ و تغییب اش بیکن، شکارش کن، بسیار جگال اش جریه‌دا رکن، غور شر را در کشاکش رنج و شکنجه بشکن، غربه‌های روحی همت اشاره بزدای، دلش را از جرایع تهی کن و از ترس بی‌آن، درمانه و بی خصیت اش کن، از خسروش شرمنده اش کن و آنگاه کن از جریه دنده روان فرسای توبه گذشت، وهی عصی برای شنیدن و به آدم کوکی رام و فرما شنیده از تبدیل شد، پکیزه سنگ به جای تلب درست شد، بگذار تا یک حزب الله تحویل داده باش، اما اگر خستین شکنجه ها، روان شنید را نشکست، به هر قیمت، جانش را بستان، اور از پریشانه بکش و جسدش را تیری ران کن تا "گلستان حزب الله" از دگراندیشان پاک شود.

مناسبت ترویج‌های عزیز مرادی

## کور آندیشان

### هرگ آفرین

حسن همو

مخالف اندیشه تو، دشمن تست، اورا بکش تا زگرنداندیشاد در دارا مان مانی اگر وحش را نمی‌توانی کشت، جسمش را بکش.

نظم خمینی چنین می‌گوید. دود از دودم اث برمی‌ورد. تغییب اش کن، آزارش بده، عرصه را برآ و تغییب اش بیکن، شکارش کن، بسیار جگال اش جریه‌دا رکن، غور شر را در کشاکش رنج و شکنجه بشکن، غربه‌های روحی همت اشاره بزدای، دلش را از جرایع تهی کن و از ترس بی‌آن، درمانه و بی خصیت اش کن، از خسروش شرمنده اش کن و آنگاه کن از جریه دنده روان فرسای توبه گذشت، وهی عصی برای شنیدن و به آدم کوکی رام و فرما شنیده از تبدیل شد، پکیزه سنگ به جای تلب درست شد، بگذار تا یک حزب الله تحویل داده باش، اما اگر خستین شکنجه ها، روان شنید را نشکست، به هر قیمت، جانش را بستان، اور از پریشانه بکش و جسدش را تیری ران کن تا "گلستان حزب الله" از دگراندیشان پاک شود.

## ارستم مخاغف

### تاه مردیف بازی

در صفحه ۷

### شلیک کور بسوی مسافران

در صفحه ۵

این "رضايت خاطر"، گماء به شادماشی ای انتقام‌جویانه نیز تبدیل می‌شود. آقای فوا دروحانی که از جمله کارشناسان بین المللی مسائل نفت است و خود ماء مور تهییه اسانا معاشران اولیک بازدید می‌شود. بوده است در مقام‌های به شرح و تفسیر موقعیت اولیک می‌بردارد که توجه خوانندگان گرامی را به متن مقاوله ایشان در صفحه سوم جلب می‌کنیم.

## آیا اوپک مرد است؟

اجلس اخیراً و پک و تصمیمات این سازمان درباره‌آزادگردن سهم تولید اعضاء، با زتابهای گسترده‌ای داشته است. تفسیرها و برداشت‌هایی که تاکنون در باره‌ای این اجلس منتشر شده است حاکی از رضايت خاطرکشوارهای صنعتی است.

بگیه در صفحه ۲

حافظة تاريخ

صفحه از **۱**

کوراندیشان مرگ آفرین

قیمه از صفحه ۱

نظام خمینی، جا معده، یک دست و یک نواخت می خواهد، جا معدی مظهو و حدت کلمه، جا معدی که در آن همه یک سان بیندیشند و یکسان بگویند، همه به یک سوچشم بدوزند، همه به یک دهان گوش سپارند، همه گوسپیدواز، یک راه را بپویند، همه راه یک شبان باشند، رام و آرام.

هیچ کس حق ندارد دگرگونه بیندیشد، حق ندا ردا خط پا بپرون گذارد، حق ندا ردن غمده دیگرسردهد. آن کس که دگرگونه می اندیشد، نیاز به جراحت مفردا روجوه بهتر که زیرین جان سپارد، آن کس که از خط پای رو نمی گذارد، قلم پایش را با پدشکست، آن کس که نخمه دیگرمی خواند، تا رهای صوتی اثر را با یادگشت.

جا معده حزب الله با یادمجموعه می از آدم های کوکنی باشد، مجموعه می از آدمک ها که نهارا دارد، نه شور، نه خودگاشانی، وجیره، فکری منتنی را از یک مرکز دریافت می داردندتا گشت ها و واکنش های معینی را بسودان انجام دهدند، عاطفه زدایی شده اند؛ تکه سنگی به همچی دل درسینه دارند، قدرت تفکر آزاد آن ها سلب شده است؛ هر حرکت کسری را از مرکز بیدون چون و چوا می بذیرند و با هر مقادیر خشونت که لازم آید، به جرا می گذارند.

در چنین نظامی، هر حرکت کسری، امکان پذیراست و هر شدد و تعریضی علیه فکوهای متفاوت، مجاز. در چنین نظامی، نیروی ذرک و شناخت،

## پیام دکتر شاپور بختیار

بهمناسبت ترویر سرهنگ هادی عزیزم را مادری

دکتر سایورسکا رهبری هفت سنا و مدت ملی ایران، سپاه پاسداران  
سرمهت هادی شریعت‌زادی درستگاه، به وسیله آدمیکان جنگی سپاهی  
پرساد. سام سرچ ریاست :

حاکمیان حبیبی اسلامی که آقای قدرت خود را روبه افول می بینند  
برای جدصا خی بیشتر ماندن ، هر روز دست به جنایت و شاعت سارهای  
می ریند .  
تربوریت های روح الله حبیبی ، سرهنگ های عربی مرادی ، افسروان  
ووطن برست از تراپیون را در ترکیه کشند و داع شک دیگری برینسا سی  
سی اداری ب خونخوار خود زدند .  
سرهنه عربی مرادی نموده بکار روانی آزاده و بکسری از فدا کار ارتضی  
ایران بود که ارجح حال بیشتر ، جان برگفت ، در صفوی او اول نیمه مقاومت  
ملحق ایران ، برای آزادی وطن از جنگل رزیم صادر رسانی خبیثی مبارزه  
می گردید و با سچاعی کم ظرفی راه اهواز را خطرات بر ریشی را ، در آن راه ،  
بجان خربه زدند .  
مرک این همروز عزیز ، موجب تهاجم ناچیز است . لم خاطرمن شده است .  
ولی مایدیا د وری گشته که سکوت نایابات در اراده عاملی مایه همباره  
نایسوزی را خواستی خلی وارد مخواهد داشت حبسی و امکنای سر برای  
بدانند که این نسل خنایت ها ، خزانه داران اتفاقاً بخوبی جهان انسان  
ارائه نمی کنند روسایران کند ، حاملی سواریم اوره و در سریعه رزیم  
محکوم به نشایان اسری بخواهد داشت . در این حیله گاز از هر سریان زی  
که از این اتفاق ، هم سکونی جای اورانی کشید و سردا سریکوئی رزیم می  
ایرانی اخوندی ادامه بخواهد داشت .  
من این عالمی اتفاق ایکبر ایله خواهیم داشت . سرهنگ عربی مرادی و همه ایران  
از ترکی ایران که درس آزادی وطن هستند . میمایه نیز  
می گوییم و به آن ها اطمینان می دهم که هنون عربی مرادی ها همچون  
جنون مخفی ها و جهانگیری ها و دیگر سریان اینجا آفرین ارتش ملی  
ایران - که بخاطر سیاست وطن و آزادی - هدف استخراجی محسوس شده اند  
روح الله حبیبی و اساد بیر قرار گرفته اند ، می مکافات بخواهد مانند  
سرودی این آدمیت از قردا دکاره ملی فاتوانی به تندیزیں و جهی سزا  
حایت هایی که مرتکب شده اند بخواهند .

## زندگینامه سرهنگ عزیزمودی،

سرباز راه رهایی وطن

سرهنج ها دی عزیزم را دی ، ساعت ۵  
بعداً زهره روز در شنبه ۲۳ دسامبر (دوم دیماه) به  
هنگام خروج از آپارتمانش در محله  
بکیرکوی "شهر استانبول" مورد حمله سه تن  
مرد مسلح قرار گرفت. آدمکشان با  
شلیک ۹ کلوله به سوی سرهنگ عزیزم  
مرا دی این سرباز زرده رهایی ایران را  
از پا انداختند و از محل جنایت

سرهنج های عزیزم را دی سال ۱۳۱۷ در  
ملایر بدنیا آمد. پس از آینهان تحصیلات  
دبیرستانی به سال ۱۳۲۸ در داشکده  
افسری به تحصیل پرداخت و در سال ۴۱  
از این داشکده فارغ التحصیل شد.  
در همان سال، دوره مقدماتی رسته ای  
را به پایان رساند و سپس دوره های  
چترپایانی، رنحو عملیات و پیژه را  
در ایران و امریکا با موفقیت گذراند.  
سرپا زشهید رشته ایران تا سرهنج دومی  
دریکان نیروی مخصوص (نوهد) نجام  
وظیفه می کرد. در سالهای ۱۳۲۸ - ۴۹  
در عملیات "عما" (اختلالات مرزی  
ایران و عراق در مرود اروند رود که  
بعدها با قرارداد جزا یسر در ۱۹۷۵  
بسامان رسید) شرکت داشت که به  
مناسبت انجام وظیفه شبا غانه به  
ارشدیت نائل شد. سرهنج عزیزم را دی  
در عملیات "ظفار" نیز شرکت جسته



شا دروان سرهنگ عزیزمرا دی  
درکنا رهمسر و فرزندان

خروج از ایران به نهضت مقاومت ملی  
ایران پیوست و تا روز مرگ بدست  
آدمکشان خمینی، در راه پیج شوروهاي  
ملی برای برآندازی رژیم ضد ایرانی  
ملايان حاکم به جان می کوشید.  
سرهنج عزیزمرا دی، متأهل و پدر دو  
فرزند (دختري ۱۳ ساله و پسری ۱۲ ساله)  
بود.  
روانش شادو ماده حافظه نهاد.

در سال ۱۳۵۷ دانشگاه فرماندهی و ستاد را به پایان رسانید و پس از "انقلاب اسلامی" و انحلال تیپ "نوهد" بعنوان معاون فرمانده تیپ زرهی اهواز به کار مغایل شد.

سرهنگ عزیزمزادی در تیرماه ۱۳۵۹ به عنوان "آذایران خارج شد".

این سویاً زوطن پرست که همواره مساده جانشنازی در راه داشته، وطن بود، بمعرفت

کمک کردیم . یعنی بنا به تقدیم ای شرکت  
 نفت انگلیس کمبودتناشی ازملی شد  
 نفت ایران را جبران کردیم . اما از  
 این پس سه تاء سپس او پک دیگر چند  
 وضعی پیش نخواهد آمد . به نظر نگارنده  
 دروغ موضع موجود و با پیش بینی آینده  
 چیزی از فلسفه تشکیل اولیک یعنی  
 وجود یک جهاده متوجه رای تاء میشوند  
 منافع مشترک کشورهای عضو کا سته شدند  
 است .

هرگز براي خود

اپهرا یعنی نظرکدا و پک چون موفق به نگهداشت سیستم قیمت نفت نشده بس دیگر وجود خارجی ندارد قضاوت ناصوایی است . زیرا گذشته از اینکه هیچ اتفاقی در جریان نات سیاسی و اقتصادی ابدی ولایتگیر نیست وقا عده دور و "سیکل" بخصوص شامل تحولات اقتصادی می باشد اصولاً موجودیت اوپک با تحقق هدف ثبت قیمت ملزمه ندارد که اینکه اوپک طی ده سال اول چنین موقوفیتی بودت نیا رود و با وجود این عامل مو شری در پیشبرد منافع کشورها عفو بود . غرف اسلامی آزاد تاء سیس اوپک یعنی وجود یک جبهه متشکل در برابر جبهه مشترک و بسیار قوی دیگر همچنان به اعتبار خودباقی است . امروز که اوپک دچار ضعف و تباش مانند شده این احتمال را نباشد . از نظر دورداشت که جبهه مقابله آن از موقعیت استفاده خواهد کرد و در صدد با زیارت سلطنه ازدست رفته برخواهد . در واقع انتشار "مژده مرگ اوپک" و اظهار رشادی از تصمیر و قوع آن را می توان مقدمه یک چنین جنبش از طرف شرکت های بین المللی دانست . حال در مقابل یک چنین جنبش اوپک با پیدا زنده و منشاء اشر بودن خود را به شووت برساند . اما وقایع اخیر درسی برای اوپک نیز در بردازده باشد دیدکشورهای عفو در آینده تا چه حد آن استفاده خواهند کرد و آن تفاوت مهمی است که بین اوپک و جبهه مقابل آن وجود دارد و به پیش مدوضع کنونی کمک کرده است . کشورهای منعی درنتیجه تحداد و همبستگی با یادگیر توانستند دست به اقداماتی بزنندگه بدردیج زیر پای اوپک راست کرد درحالی که در همان مدت محیط اوپک دچار بروز همه گونه موجبات ششت از اختلاف سلیقه و سیاست گرفته تا جنگ گردید تا سرانجام وضع سازمان بصورتی درآمد که در کنفرانس ما قبل آخر یکی از سران اوپک روش اغای آن را در این عبارت خلاصه کرد هر کس برای خود " آشیدا مرسو موجب نگرانی علاقه مندان به احقاق حق کشورهای عضو اوپک می شود اینست که در حال حاضر هیچگونه شناهدای از اماکن رفع اختلافات کنونی بین آنها وجود ندارد و گوشی مجهزه ای با پرداز دهد تا اتحاد و همبستگی سالمه ای اول تاء سیس اوپک تجدیدشود .

کرد. اما نکتهٔ لطیف در خود آن مقاله است به این معنی که توانیسته باشد دنبال "خبرمرگ" اویک پیشنهاد طرح می‌کند که اثرا دکنندهٔ خبر را یکباره منتفي می‌کند. وی آریک سو این مژده را به معروف کنندگان می‌دهد که از این پس قیمت ازبشكهای ۲۸ دلار کنونی تنزل خواهد کرد و چون هزینهٔ تولید نفت خاورمیانه پیش ازبشكهای ۲ دلار نیست میزان کاهش قیمت حدی نخواهد داشت. اما

از سوی دیکرا خا فه می کند که چون  
چنین تنزل معا بی نیزد بردا رد  
صلاح در آن خواه دبود که قیمت بهر سطح  
که تنزل کند تفاوت آن تاسطح ۲۸  
دلار گذشتی تحت عنوان عسوا رض و رود  
به قیمت افزوده شود ۱۱۱ یعنی تفاوت  
قیمت تا ۲۸ دلار که سورهای صاحب نفت  
از آن محروم می شوند عاید خزانه داری  
کشورهای صنعتی شود بدن آنکه در  
وضع معرف کننده هیچگونه تغییر حاصل  
شود. نویسنده جون پیشنهاد خود را یک  
فکر غامض و عالمانه تصوری کند  
برای شفیعیم مطلب مثال می آورد که  
اگر قیمت به سطح ۱۸ دلار تنزل کنند  
دولت باشد ۱۰ دلار بعنوان عوارض  
ورود به قیمت اخاذه کندوا آبره سطح  
۲۳ دلار تنزل کند ۵ دلار عوارض ورود  
برآن بیافزاید ۱۱

اما آیا ویک واقتاً "مرده و دفن شده  
است یا نقشی که ازا بتدا بر معهده  
گرفته بقای آن را در هر حال ایجاب  
می کند؟ برای جواب به این  
سئوال باید به شاء نزول او ویک  
برگشت. هدف پنج کشور موسس از  
تات سین ویک در قطعنامه اول او ویک  
(که تصادفاً تهیه آن در عهده  
نگارنده قرار گرفت) بیان شد و  
عبارت بود ازا ایجاد جبهه مشترکی از  
کشورهای نفتخیز جهان سوم در برآ بر  
شرکت های چندملیتی نفت که در آن  
رمان برهمه شیون و مقدرات صنعت  
نفت در سطح جهانی سلط داشتند و  
ضمیم پشتیبانی کشورهای عضو از  
یک دیگر در سیرا بر هرگونه اقدام از  
طرف شرکت های بمنظور ایجاد تفرقه و  
جدائی بین آنها. ضمناً یک هدف  
خاص نیزی تا کید در قطعنامه ذکر  
کرد که عبارت از ایالات متحده و تنظیم و  
ثبتیت قیمت تفت خام از جمله بوسیله  
محدو نمودن میزان تولید بود. اما  
هدف اصلی همان ایجاد جبهه مشترک  
بود. در جلسه ای که منجر به تأییس  
او ویک شد نگارنده درست نهاد بینده  
ایران شرکت داشتم. در آن جلسه  
ایران وضع خاصی داشت چون بین  
کشورهای شرکت کننده پیشقدم در مبارزه  
با شرکت صاحب امتیاز و ملی کردن  
صنعت نفت ایران بود که اینکه یک  
شرکت ملی مجهز و کارآزموده باید  
سال ساقمه داشت که می توانست  
نقش مهمی در بیهوده شناسدن هدف های  
او ویک بر عهده بگیرد. هنگام طرح  
موضوع ایجاد جبهه، مشترک نهاد بینده  
کشورهای عرب (عربستان، عراق،  
کویت) اظهار کردند که ما متأسفیم  
از یکند درواقع به شکست دکتر مصدق

شواهد روحانی

# آیا او پاک مردہ است؟

در مقاله آخرين مربوط به تحول قيمت نفت  
کددرشماره ۱۴۶ قيام ايران درج شد  
توضيح داده شد که اوک با الاخر سیاست  
تعيین قيمت نفت و تنفيذ قيمت رسمي  
خود را ترک کرده و کشورهاي عضو را آزاد  
گذاشتند که نفتان را بهره‌قيمت که  
بخوا هندما ملکه کنند. همچنان گفته شد  
که درسرا ا اوک برای تعیین تکلیف این  
موضوع روز ۷ دسامبر در زئونگرد خواهند  
آمد. گنفرا نس ۷ دسا میرطبق برنامه  
تشکیل شد و روزهاي ۹ و ۱۰ نیزدا ممه  
یافت که به شناخت تصمیمي در پیاره  
سیاست نفت گرفته شد لایکه اوک سیاست  
اساسي دیگرا اوک یعنی کنترل میزان  
تولید نیز منتفی گردید. به این معنی  
که اوپک در عوض کوشش در حفظ سطح  
قيمت رسمی خود صلاح در آن دیده بیان را  
برپا زیافت و وضع خود در پیاره را ریگهارد.  
یعنی بهره‌خواهه مقتضی تشخیص سود و لو  
با تنزل دادن قيمت سهم خود را در پیاره  
از مصرف جهاتی نفت که در طرف شرکت  
از عده درصد به ۳۹ درصد تنزل یاخته  
بود به سطح قبلی برگرداند و مثلاً  
از سطح فعلی ۱۶ میليون بشکه در روز  
به ۱۸ میليون برساند. به این مقتضو  
اوپک یک کمیته پنج نفری با مأموریت  
به شرح زیر تعیین کرد: "بروزرسانی  
واسایل بيدست آوردن و حفظ سهم منفاهاتی  
از بازار و بين المللی نفت برای اوپک  
متنااسب بااحتیاجات توسعه اتفاقاً دی  
کشورهای عضو".

همان نظرکه پیش بینی می شدیلاقاً ملته  
بعداً گنفرا نس اوپک قيمت نفت رویه  
تنزل بیشترگذاشت. تولیدکنندگان  
نفت در پیاره شامل (باتولید  
روز قيمت نفت خود را ۳ دلار از  $\frac{۲۷}{۵۰}$ ۰۰۰  
دلار کاهش دادند و این اقدام نشان  
داده انتظارا وپک دایپرپا ینكه  
سا پرتولیدکنندگان از زیم شروع جنگ  
قيمت صلاح را در محدوده مدون می‌زان  
تولید و همکاری با اوپک در حفظ سطح  
قيمت خواهند دید واقع بینانه نبوده  
است بین پراين معلوم گردید که وقتی  
اوپک در تحقیب تصمیم جدید قيمت نفت  
خود را پائین آورد تا سهم خسودرا در  
بازار ترقی دهد و به احتمام قسوی  
تولیدکنندگان دیگر نیز قيمت نفت  
خود را تنزل خواهند داد و به این  
ترتیب یک رقابت شدید بصورت جنگ  
قيمت آغاز خواهد شد که تقریباً آن  
سقوط فاحش قيمت خواهد بود که اینکه  
زکی یمانی چنین اظهار نظر گردد  
است که ممکن است قيمت به سطح  
بشكهای ۱۸ دلار تنزل کند و رشاناً

خواه

دیپلمات‌های سفارت امریکا در تهران  
شریک و همدمست بوده است، از طرف  
خمینی به مست کاردا رسیاسی جمهوری  
اسلامی در انگلستان انتخاب گردید،  
اما از آنچه که تا این لحظه دولت  
انگلستان از صدور روا دید بنام این  
تروریست خودداری کرده است، نا مبرده  
منتو نشسته است به محل مأموریت خود  
وارد شود.

فجده ۱۲ را مطابعه فرمائید

این پیمان بستگی دارد.

اپریل ۱۹۴۹ء میں : محمد رضا  
مهدوی کنی برائی انجام یک ماہ موریت  
کا ملا" سری وارد انگلستان شد۔  
ماہ موریت وی ملاقات معمومانہ بآدو  
مقام بلند پایہ عربی است کہ یکی از  
آن ہا ازاں دوست عربستان سعودی و  
دیگری ازاں یکی اذکورہای حوزہ  
خلیج فارس کہ ممکن است کویت یا  
امریکا متحدہ عربی باشد، بہلندن  
اعزام شدہا ند۔

مهدوی کنی در این ماء موریت خواهند  
کوشید تا چنانچه عراق حملات هواشی  
خود علیه تاء سیاست نفتی ایران را  
متوقف سازد، جمهوری اسلامی نیز از  
حدهای مینی کتردادهای که تدارک دیده  
است خودداری ورزد. در عین  
حال نباید این احتمال را نادیده  
گرفت که ممکن است ماء موریت مهدوی  
کنی خیلهای باشیرای بدمست آوردن  
میلت کافی برای بسیج هرچه بیست  
نیروهای جمهوری اسلامی در جبهه هائی  
جهیزی سلاح های موذنیا ز برای تهاجم  
شروع شوند.

یا زار مشترک اروپا از دو جهت به مرد خواهند گشت.

براس پیمان سه جانبه‌ی که با  
نظرات عبدالحليم خدام معاون رئیس  
جمهوری سوریه و توسط الی هوپیک  
هیرشیه نظامیان مسیحی، نتبیه بری  
هیرشیعیان و کمال جنیل رهبر  
و روزیان لبنان در روز ۲۸ دسامبر  
ضاء رسید، دولتی تازه در لبنان  
بررسکار می‌آید. در مدت یک سال  
کروههای مختلف سبک‌نظری متحصل و  
صلاح های خود را بدولت خواهند  
سرخوت. واحدهای نظامی سوریه  
آن‌تاس طرح شدای وزیران لبنان در

ط مختلف این کشور مستقر خواهند شد  
ریزیروهای را اندار مری لبنا را یکاری  
خواهند داد. ارتش لبنا بتنه  
انحصارها را خواهد گرفت

ظرف ایشان سویره با ز آموزی خواهد  
شد. جنابه مرحله اول این سیان با

موقب طی سود، با اصلاح قایقون آساي،  
بنان آزرتیام آنچه با تقدیمی کند  
نمایسته دخ آشیده است

خدا می تکینه بزرگ شوایزیا شی که بزرگ

۱۴۰ اجرای این بیمان وجود دارد که  
سوریه با تمام امکانات از جرای این

مجله اکسپرس ۲۷ دسامبر  
فرانسه به تازگی دویست موشک زمین به  
هوای آ - س - ۳۵ در اختیار عسراق  
قوارداده است. این موشک ها که بنا  
اشعد لیزر هدایت می شوند ساخت  
کارخانه های " آئرواسپاکس " فرانسه  
است.

این موشک ها به وسیله هر شوون هوا پیمایی  
جنگی قابل حمل آند و بی عدوی نجات  
کیلول متربرد دارند.

لوموند ۲۷ دسامبر: انتظامی رود که از اواخر هشتاد و چهارمی

بهای نفت به حدود پیشکمای بیست دلار  
کا هش یا پند و بمدت دوازده ها هدر حقول و  
جوش همین نسخ باقی میگردید.

للمونديه نقل ازگار و شرکت سرمهای  
بازار مسترکارویا (ستوسوار) شروع شد.

پیش بینی: می سودکه هفزمان با کتاب هفت  
قیمت نفت، کاهش شرخ دلار امریکائی  
در تراپ واحدهای بدل، اینهاسترد.

به بیگانه بسته ، مشروعیت بخشیده‌اند .  
در هر کذا را بن پیش بینی ها و تکراری ها است که به ادعاهای  
نوظوری نیز که به پیروی از خروج بازار در عبارات  
آراسته ، همان "فلسفه" استبداد را تلقین می کنند  
با یادپشت کردوبی توجه گذشت .

گردن خمینی بستکند که جراحت طرح این با صلاح نظریه‌ها حاصل بی رحمی و بیداد است. کاگریک جو "آدمیت" درا بن پیر مرد سیاهکار بود، این قصدها دوبهاره سرنمی گرفت. می‌گویند "حزب فراگیر مقدمه‌ای استقرار ذمکراسی بود و خوده خوده داشت یه تنوع دیده‌ها می‌دان میداد"! می‌بینید این همان کلام شته و رفته‌ای است که دهه‌های اخلاق گفتن و شنیدنیم، "برای پسک ملت عقب افتاده" دمکراسی زود است، خطناک است، سیم قاتل است.

می گفتند: "چنین ملتی را باید پا به پا بیش برد و هوایش را داشت و شیوه راه رفتن آموخت تا نلزد" و حسالاً می شنویم حزب فراکیر آموزشگاه "دمکراسی بر طبقه پرورانه" بوده است.

آیا تصور می کنید، دربی این دنیا دنیا تجربه و زمین خوردن و برخاستن و تادم مرگ پیش رفتن، فرمتی برای جوں و چرا باقی مانده است. بهزبان بی زبانی و با اندک ملحتی که غذا را به طعم بسندروز تبدیل کنند، می گویند، با یادداشت همان آش و همان کاسه بودویکشست ساده دل با حسن نیت هم هستند که دلواپسند و می گویند چرا دشمنان خوبینی، یک دله نیستند؟ برمیلیون فسرخ است که بر اصل اعتقادی خود استوار رویی تزلزل بیانندو حرف آخر همین است که "دمکراسی راز و رمز نجات ایران است" واژهم امروز، و در کشاکش جنگ با دشمن غاصب باشد به بذر شر آب رساند و از نموش جوں مردمک چشم حراس است کرد.

دکترایی ، داروی حکیم فرموده نیست - دکترا سی موهبتی است که با زهم و بازهم باید گفت محصول تجربه و تعریف این است .

این فرانسوی ها و انگلیسی ها و سوئدی ها و آلمانی ها که

# از هم امروز در آندیشه فردان

صفحه از پیش

از هم مروز و در متنه کوشش ها و تلاش ها با بدیار دمکراسی و نظام ملی آینده را با شید و چشم از مرآ قبیت هم برداشت و بر هر انحرافی راه بست و یک لحظه هم زاین شوال غافل نماند که "بکجا می رویم؟"

هدف در خلاصه‌ترین جمله جزاً نیست؛  
"سرکوب رژیم و آغاز تمرین واقعی دمکراسی".

بلندپروازی هم در کارنیست - با یدبایزیرفت از همان فردای  
نجات نمی توان الگوی موجود مکاری های زنده و  
جا افتاده دنبیار بکار گرفت .

ازفتح باستیل تا ۱۹۴۶ میلادی میان گذشت - است  
فرا نسوزی ها به هر حال از تقطهای با انواع مشکلات و گذر از  
هزار بیچ و خم ، کار را شروع کردند و به اینجا رسیدند ما هم  
با ید آز یگ زمان آغاز کشیم و هیچ لحظه ای را بآهنجا

حیاتی بودن مسئله شاید امروز در فضای آلوده به عذاب و ستم چنانکه باید احساس نشود ولی اگر سیمی هم به مغز داده شودتا علل ظهور فاجعه " ولایت فقیه " را دنبال کنند - بیان دش می‌اید که چه شد یک مدرس گفتنا م فیضیه، در زمانی که با مقیاس تاریخ دمی بیش نبود، به یک غول و بیدیک " اما " و " اما می" به اشارات تلويحی خودبرتر از بیغیر مبدل شد.

فرخ کنیم که رژیم درهم شکته و جای آن را بساط یک  
قلدر از راه رسیده و طبعاً "زمینه‌های فاسد" غارت پرکرده  
است. تصور حال و هوای دهال (حالا کمتریا بیشتر)  
بعداً زاین واقعه، یعنی آن زمان دشواریست که به جبر  
عادت - گذشته‌ها رفتارهای فراموش شده و نظرخانی ها  
آهسته آهسته گل کرده و احساس رقیت و ستم بالا گرفته  
است.

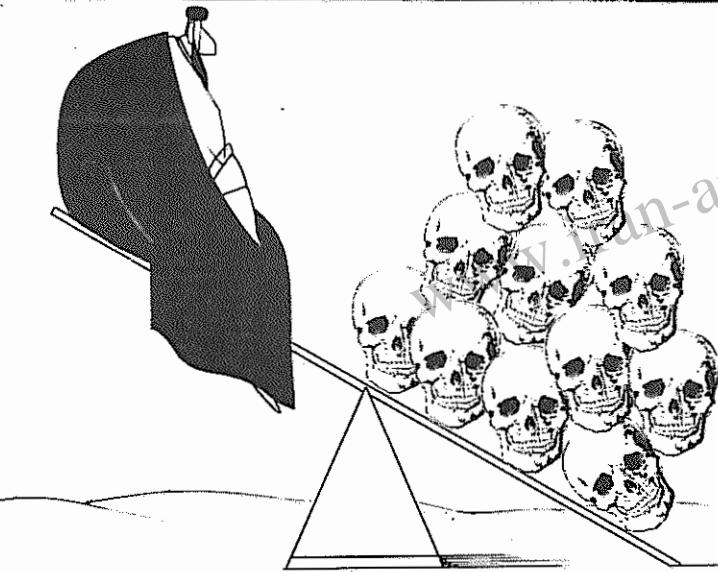
زیان "تجربه" توضیح می دهد که چه پیش خواهد آمد. طبیعی است که در آن هنگام وسوسه‌ای آخوندی به آن گونه که درگذشته و از زمان ریخ مایه داشت، کارگرخواهد بود. می توان حدس زد که هرچو خواست برچه محوری خواهد چرخید - می توان یقین داشت که کندن بختکی که با شگردهای خاص خود جاگیرمی شود به هیچ قدرتی مقدور نخواهد بود. یک نگاه به نقصی خفرا فیای جهان و سرنوشت ملت هائی که به این بختک نفس گیر مبتلا شده اند به آن حال که راه پس و پیش به رویشان بسته است - تصویر کاری مل وزنده‌ی همان حالتی را به ذهن می برد که محصول ندامن کاری احتمالی امروز است.

نظریه‌آینده از این روش . شاید بعضی ها ( یکبار دیگر هم نوشتیم ) از سر بی طاقتی و دلسوختگی برای این " نگاه " خودروتی قائل نیستند ، اما گرفولند جماعتی که داشتم " عوظ می کنند " حالا که جای این حرف ها نیست . به سدادی دیگری بینداشت .

نژد این گروه نگاه به آینده بی شروع مایه " وقت کشی " است چراکه آن ها فقط به فرست کوتاهی نیاز دارند که اولاً " موضع ازدست شده را به " شکون " کروفر یک قلدر نوظهور احیاء کنند و ثانیاً " ماقی " وطن های جامانده " را بیش از بروز احتمال هرگونه خطری بجائی امن و محفوظ بسیارند.

از جوا دش هر کس بفرا خور حال خود عبرتی می گیرد و  
عبرت این جماعت هم از این مسطوره است .  
این نکته پنهانی نیست - در این جمع ، آن ها که  
رو راست تربید ، خلی آشکار و در هر محفل و مجلسی قصد خود  
را در میان می گذارند و هزار " دعا و حرمت با رآن کسان  
می کنند که چنین فرصتی را بسا زد و در بزرگشان را درمانی  
بودند ."

اینکه گفتیم نهالزا می و نه مهلتی برای چون وجا را مانده است، یک دلیلش هم، همین است.  
چاره‌ای نیست جز تاکیدوتاکیدبر مقودیعنی "براوردای  
روزیم حاکم همراه با طرح عملی و آماده برای یک نظر  
مردمی و دمکراتیک". . به خیالات کودکانه هم گرفتار  
نشویم و ببذریم که در همان فردای برچیده شدن بساط  
ولایت فقیه، پارلمانی محکم و خالص خلق نخواهد شد. از  
راه و رسمی که امروز در کشورهای آزادیکار اداره‌ی جامعه  
و نظام اسلامی و اجتماعی می‌آید، بی درستگ و موبه مسو  
نصب نخواهیم بود. که این همه محمول قرن‌ها، اصرار و



امروز به شععت دمکراسی دست دارند، از مادر دمکرات  
نژاده‌اند - یک روز آغاز کردندوا مرزو به این جا  
رسیدند که همه فخر و همه سر برلنی همه زندگی و همه  
محو نیشان از همین دمکراسی است. خمینی محصول چیست؟  
علمی که درست اثباتی نظیر "احمدرشیدی مطلق" بجنگ  
خمینی می‌آید - ماجراجویان به خمینی مشروعت می‌دهد و  
علمی که آزاد است و به آزادی مشتهر است و از خط حق  
اگرچه ترجیح قبای قدرت برخورده، امتناع نکرده است  
آری فقط چنین علمی است که می‌تواند خمینی را رسماً  
کند حزب فراگیر به خمینی ها جان می‌دهد که دیدیم  
داد - راه شروع اندیشه‌ها را سدمی کند و دیدیم که کرد -  
و این هانکته‌هایی است که از هم مرزو با دوچشم خدا داده و  
افزوده به آن با دوچشم قرضی، باید پائیدشان که غفلت  
از این مراقبت، این با رسماً زگورستان برپیا ورد.

معلوم است که جرا عده‌ای ازا بین کلام حق میرجند که  
"نجات مملکت به تا مین دمکراسی میراست" اما معلوم  
نیست که چرا آدم‌هاشی با حسن نیت ملحت را درخواه موشی  
می‌بینند و پندمی دهند که قفل بورده‌ان و قلم بزند، چرا  
که عمرو و زید رنجیده خاطرمی شود. مگر با سرنوشت  
ملتی می‌توان به حساب خوش‌آمد این و بدآمد آن بازی  
کرد؟

یک کارمند دون رتبه، این اختیار را وین حق مشروع  
انسانی را داشته باشد که بگوید من "در حزب شما آقای  
رئیس دولت و رئیس مملکت" شرکت نمی کنم و اگر بیه او  
گفتند به مکافات این جهارت "نفی بلد" خواهی شد، یقینی  
مدعی را با دست قاتون بگیرد و بدهه اینجا وز به حق  
انسانی خود مصراحت مجاز انتشار بخواهد.  
اگر کسی یا کسی اراده کردند، حزبی و اجتماعی و گروهی  
بسازند. بی آنکه در زیر قیبا نارنجک و هفت تیر پر نهاد  
کرده باشند و اتفاقاً مرام و مسلک آن حزب و جمعیت خوشابند  
بزرگان شود. بوزنداں حواله شان ندهند و یا (اگر) ران  
شرها فتمند و عصبی ) را با چماق به استقبال شان روان  
نمایند...

این ها مسائلی است که از هم روز والبته از هم روز که  
بساط ولایت فقیه هنوز گشته است ، با پیدار گروهی  
تلائی ها و گوشش ها جای برای تاً مل و پیش گیری داشته  
باشد که جز این روال اگر با بشود - درست است  
که ارباب قدرت به خال خود زگزند "نا اهل" مصون  
مانده اند ولی نمی دانند که در عوض به آن شیاد دل و دین

#### **دستورات و دستوراتی**

## شیلیک کور بسوی مسافران

۲۷ دی میز ادریس روزگار همای  
ین اعلانی و نرم در جرجیا نک  
رد عملیات تروریستی حمام خون  
راه افتاد.

اعتدال مددی روزگار هندی روز  
کفکه هرا عرب بنظری رسیدنوارد  
مال انتظار فرودگاه رم سیدنوسا  
ملیل و بنا بعده سفران حمله  
رسیدن، تروریست ها در آغاز رسیدن  
تاریخک بدسوی دفتر خطوط هوایی  
امراشیل "ال عال" سرتاپ کردند و  
ین مملکت های کلاسیک و مسافران  
را به کلوله بینند. آتش مسلسل همای  
تروریست ها بقیریا "تمام محظوظ سالن  
را بینند، تروریست های بینند هدف به  
رسوسا شرمنی کشند. لافا مله نیاز  
آغاز حمله می خواهد که اندوهای معاشر  
فرودگاه و موان موران امنیتی در حمله  
حوالی "ال عال" اردوخدا اکشن نیان  
دادند و با قدم متفاصل برداختند.  
این عملیات همان "در جود و دقت"  
بطور انجام میدوطي آن هشت ساعت راز  
ملکت های کوچکون از جمله پاک  
نامور امنیتی "ال عال" به نیز از  
تروریست ها ویک دختر چهار ماله به  
تل رسیدن و حدود هفتادن بینند  
رحمی سیدن کحال عدهای از آن ها  
و حجم است. سه نیز از تروریست های  
محروم و دستگیر و لادا ملک نیز  
سیاریان متقتل شدند.

تقیریا "هزاران نیز حمله، فرودگاه  
بن املاکی و بن دریا یتخد انتزیز  
زمورده های آلبانی زیان زود و بیجه  
رسیوک و فرا تکور آنکه اینکه به  
تل از خبرگزاریهای آلمان فدرال  
و در وسایر خبرگزاریها ماحرازی  
حمله تروریست های بوده و کاهش  
بهمیل معنی کردند. بناید این  
کذاره، تروریست ها سواریز برز  
حکمیتی رنگ به سرعت وارد شوکه  
ابویوس های فرودگاه میدند و دویتن از  
سهن سرتیستان آن در حال یکه مجهز به  
باریکه دستی و مسلسل بودند و در  
بداخل مال انتظار فرودگاه رسانند.  
این تروریست های سیزده آنکه میزدند  
با زیرگاری فرودگاه رخا ساختند  
بلطفه شدرا آن ساقران را با  
سلسله عورده حمله فرازدادند.  
کشنه های امنیتی فرودگاه وسیس  
بلطفه دست مقدماتی زده و تروریست های  
را مکله بینند، این دفعه مورد  
خوبیش در خود به الی چیز دقت نهاده  
بطول انجامی و دشمن از تروریست های  
توانسته از طالقان خودگاه و بیرون  
آیدند و سایر ائمه موبیل از محل حادثه  
پیشبردند.

این توپوبل های سیل اتریش به معنی  
آن های سردار خیلد، بیرونی حمام خون  
دهندگان سوارت و کلواکی می شوند.  
تروریست های فرازی و کشنه های  
بلیس آسیاری متفاصل در کرفت  
که در جرجیا آن بکی از تروریست های  
تل رسیدن و دیگر در حالی که به  
شدت زخم برداشتند بودند دستگیر شدند.

مجموع مراکشی داشتند. وصیت نامه های  
سیاسی شان که به هفدهاد شان برسود ،  
اممای "شهیدان فلسطینی" را داشت.  
از سوی دیگر، درویین، این گزارش که  
مهاجمان فرودگاه این شهر، اعفای  
سازمان فلسطینی الفتح بوده اند ،  
تکذیب شد.

کار دین = ۳۰ دسائیں

لیبی، دیروز، یکشنبه، هجوم‌های  
جنایت با رتروریست‌های عرب به  
فرودگاه‌های رم و وین را به عنوان  
آزادم‌ها بی‌قیمتانه متوجه اعلام  
گردکسانی که همان را محکم‌نمود  
ساختند، خون برخاک ریختند، فلسطینیان  
را فراموش کردند.

دیلی تلگراف - ۳۰ دسامبر

● "شیمون پرزا" ، نخست وزیر اسرائیل ، یکشنبه ۲۹ دسامبر گفت: "نقید در صندوق ۷

۵۰۵، فودگاه، سنت های ۹۷

در ایران آموزش دیدند

رئیس سازمان اطلاعاتی بردن مژده  
متالیا، دریا دار "فول ویو مارسیتی" ،  
بنیه فاش ساخت که جها رترورسیت  
بی که در سو' قصد پرورش رفوردکاه  
شرکت کردند بودند، هم‌درا یـران  
موزش دیدندند. وی به روزنامه  
متالیا "ربوبلیکا" گفت نقطه  
میت جها رترورسیت، به سوی عمل  
میریت شان، دمشق، پایتخت،  
ریه بوده است.

گزارین ها و فسیرها بی کذب و میوه های  
کلی ، ایران و مطبوعات سین الطایه  
هر چند ما بدی قیام ایران به عجایب  
می رسد ، لرستان همراه با نظرخواه  
آن هست باید منشیت و هدف آزادی  
و درگان ها ، آنکه ساخت  
هم میهان ارسنجه می داشت  
رسان شاهی جهانی از رویدادها بسی  
است که در ایران و مسط  
می کند.



مطبوعات دين المال

## کشورهای ترووریست پرورد

در ارتباط با سوی قصد های روز جمعه ۲۷ دسامبر - ۶ آذر - در فرودگاه های بین المللی رم و وین که به کشته شدن ۱۷ تن وزخمی شدن ۱۱۵ تن منجر شد، روزنامه فیگارو جاپ پاریس در شماره ۲۸ دسامبر گزارشی درباره اردوگاه های آموش گروه های تروریستی جا ب کرده است. فیگارو پیس از پرشمرden برخی از عملیات تروریستی پر کشتر سالهای اخیر می نویسد: این توطئه ها با طرح و نقشه دقیق توسط فراد حرفه ای انجام می گیرد که در اردوگاه های ویژه تحت رهبری رژیم هاشمی که تنها هدفان برهم زدن شبات جهان غرب است تعلیم دیده اند. چهار کشور این اردوگاه ها را در خاک خود پنهان می دهند: لیبی - سوریه - ایران و یمن جنوبی. به این کشورها پرداخته است.

در ۱ سپتامبر ۱۹۸۵ (۱۱ شهریور ۱۳۵۲) در ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۳ (۲۶ آذر ۱۳۵۲) یک هوا پیمای بوئینگ متعلق به شرکت میا هوا پیمایی پا ان امریکن بوسیله "یک موشک زمین به هوا که از تندیکی پاند پپرووا زفرو دگاه" فسومی پیغام نشاند و رم شلیک شده بود منهدم گشت. نقشه این عملیات در رودوگاه های حمل و نقل و تدبیر این در لیبی طراحی شده بود، جائی که به دستور سرهنگ قذاقی نمونه های دقیق فرو دگاه های رم، آتن و بروکسل ساخته شده است. این نمونه ها هنوز با برخاست.

چهارچهار های فلسطینی در ۱۴ کیلومتری شمال تربیولی آمورش های خسود را در مراکز تیراندازی با بعزمیزی تکمیل می کردند. در آن موقع این عصاییات بوسیله هجده جنرال رئیس جبهه خلق سرای آزادی فلسطین و مینالهندی دبیرکل داشتگویان فلسطینی های هشت میشید. سرکرد "هاسی" عضو شورای انقلاب لیبی مسئول امور مالی آن بود و یوک ما مورساق اینتلیخت سرویس انگلستان، سرهنگ عبد الله مهرانیش دی، کهنه کار درا مورا موزون نظامی، تسلیم این وسیره برعهده داشت.

بدین حال "موقوفیت" عملیات هوا بین پیش ای، سرهنگ قذاقی اردوگاه کاستلینتیو "را تحت نظر ارت سرگرد محمودتا سیس کرد. در این روزگار دنبه های مصنوعی ساخته شدند، واحد های بیا باسی تعیینه گردیدند و ۵ هزار دا وطلب برای آمورش فنون تروریسم به آن سراسر شرمنده که ما همانه به هریک از آنها معادل ۲۵۰ فرانک فنا نشانه برداخت می شد.

پس ازیازده دوربین ۱۹۷۹ - ۱۲ - ۱۳۵۷ - که خیمنی در ایران به قدر روسید، اردوگاههای بسیج مذهبی در پیرامش، اردوگاه طریق القدس شما برپاشد. ۱۵ به سرعت تاء سپس شد و برای بیش از ۱۰۰ هزار "مبارز راه الله" زیر محمودها سمی فرا رکرفت، اقلایی از این عده بد اردوگاه متروک در فراس اعزام شدند و در آن تجا تحریک تعلیمان نظا میان آلمان شرکت کردند. از این رسانیات، کره شمالی و پیش از قرارگیری اردوگاهیا موزون های نظا میان این ابتدائی است. افراد، طبق استفاده از مواد منفجره را فرا میگردند. آنگاه از نظرورا و ای برای تبدیل به دا و طلبان مرک آماده میشوند بسباری از آن قبل از سوارشدن در کامیون پرا زموا دمنفجره بر مرسن

اما حال که بدلیل ها و شاهدات بسیار  
عنق و کش مولوی را به موسیقی و رقص و  
پای کوبی (ساع) مسلم میدانیم،  
بینکتهای تاروشن از زوابای معتقدات  
اویز ببردا زیم که به قدمی جاندار و  
معروف پیروختی، دردفترا ول مثنوی  
یار میگردد. به آنجا که چنگ نوازی بر  
وقتی در قبرستان شیرب از عنایت و  
دهن خلیفه با مرخدا وند، با خبر  
می شود، سازخودرا بیزین می گوید و  
تارهارا از هم میدردو افسوس گوییان  
آنرا حجایی میان خود و خدا یش میخواند  
و اشک ریزوتان لان خطاب به چنگ شکسته  
میگوید: "این توبودی که هفتاد سال  
مرا به سیه روزی مبتلا کردی:  
ای بخورده خون من هفتاد سال  
ای زستور ویم سیه پیش کمال  
آه کن زیادره، و پرده عراق  
رفت از یادم دم طنخ فرا  
آنرا خود استان" (تا خود استان)

شیاب شنس، غیاب قب و قاب

بنابراین می توان پرسید که چرا "پیر چنگنگی با یا نهاد و آن را سبب سیه روزی خود نمی خواست و چرا مولوی که خدمت موسیقی دان و نفعه برداز اهل ساع ورعن و یا یکوبی است، قصر را به "توبه" و "استغفار در دنای پیر چنگنگی با یا نهاد؟ آیا مولوی پس از فراز دوباره شمس و ناپدید شدن ابدی او و گذشت سالها و فرونشتن تب مهgorی، از حمال و هوای هیجان انگیز عصر حضورش جدآئی گرفته است؟ آیا تعدیلی در احوال او پدید آمده؟ آیا مشنوی محصول دوره فروکش آن انقلاب و شور و حانی و غلبه روی همی احتیاط و محافظه کار است؟ سلماً "روجیهی مولانا، در زمان یکه به کوش و ترغیب حسام الدین سرورد منشوی را آغاز مری کند، به آن درجه از تب و تابی نیست که مایه از خضور شمس می گرفت. ولی تذکرات پی دری خود اور دمندوی گواهی می دهد که همچنان در بیوند خویش با شمس استوا ریا قی مانده است. وچه بسیار رتا کیدمی کندکه وجود شمس را در هستی حسام الدین جسته است و حالا که گل در میان نیست ناچار بوی گل را "از جه می جوئیم؟ از گلاب."



وغلاوه براین در دفترچه ارم خواسته  
حکایتی از ابراهیم ادhem و در دنباله  
قصه‌ی آن مردشنه که به آب دسترسی  
نداشت و زیبایی درخت جوز، جوزهای را  
به جوی آب می‌افکند تا با "بانگ"  
آب خود را تاکین دهد و بطرپ آورد....  
ونیز در اثارات فراوان دیگری، اشکارا  
برآتا را شرف سماع تاکیدمی‌کند و آنرا  
موجب شیر و مندی خیالات ضمیر و نشاط  
روح و حتی وسیله‌ی انقلاب احوال انسان  
می‌شمارد.

پس غذای عاشقان آمد سماع  
کذا زاویا شد خیال اجتماعاً  
قوتی کیرد خیالات ضمیر  
بل که صورت گردد زبانگ وصفیر  
آتش عشق ازینها گشت تیز  
آنچنان که آتشتر آن جوز ریز  
شاید پاسخ پرسنلی که باشدکه مولوی ۱۴۰  
جهت ای پایان عمر بررسی که در مکتب  
شمس آمودخت یا پیدا ماند ولی به مرور  
سالها و غلبه‌ی عادت و فرونشتن توفان  
و بازگشت سکون، به احتیاط و مخصوصاً  
در برای سطعنه قشریون بهن-موعی  
محافظه کاری گرویده است و پیر روی  
این نکته‌ایست باب اندیشه‌ی اهل  
تحقيق و ته‌نویسندگی این یا داشت‌ها  
که به نکاهی و گذری قانع است.

درتهیه این یادداشت، به ما خذییر  
متولس شدیم:  
مشنونی - ولدنامه - دیوان شمس -  
مناقب افلاکی - مولوی نامه (همایی) -  
شرح حال مولوی (فروزانفر)

حافظان جمله شعرخوان شده‌اند  
بسی مطربان روان شده‌اند  
پیروبرنا ساع باوه شدند  
بربرراق ولا سواره شدند  
ورد ایشان شده است بیت و غزل  
غیر این نیستشان ملسوة عمل  
اعاشقی شد طریق و مذهبشان  
غیر عشق است پیشان هذیان  
کفروالسلام نیست در رهشان  
شممن تسریز شد شهنشهشان  
جان دین را شمرده کفر آن دون  
عقل کل رانهاده نامجنون

وشه: مهرآن

فرهنگ ایران

یادداشت‌های پراکنده

# مولوی و غنا و سماع

شک نیست که روی آوری مولوی به عوال  
و جو حوال و سماع ( موسیقی و رقص )  
پایکوبی ) محصول آشنازی و آمیزش ا  
با شخص الدهی است که یکباره " زا هد  
منبری " را از جامی کندویه مشتری  
بی تکلف و آزاد خودمی کشد . این  
تفصیر حال را مولوی خود، در غزلهای  
گوناگون شرح می دهد و مثلاً " درا یعنی  
بیت ها : " زا هد کشوری بدم ، عاچب منبری بدم  
کر دفنا دل مرا عاشق کف زنان تو  
حتی ، اگر خبرها ، نشانه ها و بیان روشن  
خود مولانا جلال الدین در میان نبود که  
بر علاقه مفرط و تسلی داشتم او به  
موسیقی و رقص و سماع " شهادت دهد ؛  
گنجینه دیوان شمس آویا انبوه غزلهای  
که به ا نوع گوناگون از وزن های سبک  
و سختگین و دراز و کوتاه برجا است ، به  
نهایی گواهی می داد که " سماع " -  
موسیقی و رقص خاصه از آن زمان گم  
شمس تبریزی " در افق حیات مولانا  
ظا هرشد ، به جزئی جاذی نایابیز از  
زندگانی او تبدیل گشت است .

دریندگینا همه‌ای کوتا هولندی ازی که  
بـقلمـنـتـنـدـیـکـانـ وـبـیـ رـانـ مـوـلـنـیـ سـاـقـیـ مـانـدـهـ  
اسـتـ، بـهـرـوـشـنـیـ مـعـلـوـمـ استـکـافـاـ وـخـسـودـ  
بـیـهـنـرـمـوـسـیـقـیـ وـغـرـبـ اـنـ آـگـامـیـ  
بـیـسـارـدـاـ شـهـتـ وـحـیـ رـیـ رـابـ رـاـسـتـادـانـهـ  
مـیـ، نـوـاخـتـهـاـستـ .

ر اس سی دار آمد هدیین بیو م ب رسو و عشق درآمد ز درم برد نجما مراد  
در شرح دگرگوئی حال مولانا واینکه چه گونه عبادات مرسم و حتی سرختنی در زهد نسین و متلا هر سه روز یکبار روزه گشودن و شب تا بروز در نمای زبودن را فروگذاشت و به هدا بیت شمس روی بر قص و موسیقی آورده است ، نقل سلطان ولد ، پسر مولانا ، که ب اپا همه جا در خدمت پدر بوده شنیدنی است :

پیشتر از وصل شمن الدین رجایان بود در طاعت ز روزان و شبان سال و مه پیوسته آن شاه گزین بود مشغول علوم زهد و دین اندرا آن ظهیر بدش جلوه زحق آهنگی ) ... است، دلیل با رزبرهان روح آشتائی وی با اصول فن موسیقی و علم ایقاع آشت و این قبیل اشعار را اکثربدرحالت جذبه و انتطاع و شور و عشق و رقص وساع و دست افشا شد و بای کوبی خواسته شد: گرچه همچنان ساز غربی

هر دمی می برد از حق نو سیق  
چو شکه دعوت کردا و را شمس دین  
در سما عی که بد آن پیش گزین  
چون در آمد در سماع ازا مراد  
آواز نی رو باب می ساخته است . ”  
حقاً ” امثال این غزل ها با زنگ و وزن  
پر تحرک و نیز ترکیب ترا نه ما ندشان ،  
د، ذهن خرخا ننده ای تصویری از یک

حال خود را دیده مددچندان زهو  
شدمها عش مذهب و رائی درست  
از سما عش اندر دل لش حدیباً رست  
طبعی است که این میل و عشق آتشین  
په ساع و رقص امولاً به آن مشرب  
”افراطی“ که حامل طلوع شمس در  
زندگانی، مولانا است - دشمنی ها

سپاهیان گنگیزد و میان اوقفها  
متولیان مذهبی کشکش ها بریامیکتند.  
تاتنجا که آخوندها کلام مولانا را پست  
و بیگانه " با ذکر و بحث اسرار بلاند  
میخواند و چون این همه رازایی دددی  
همایش برین پیر روم، سه پرسوس پادشاهی  
و پایان یافتن بحرگنگین که پیدا است جزدر  
همان حال و جرخ و همتوانی بازار، وزن  
کاکا مل خودرا باز نمی توانید:  
زیبخدی آشفتم، بدیر خودگفتمن  
که: با غبت من حفتمن، بهر سوی که افتمن

بضرب دستش بنگر، بچشم مستش بنگر  
بزلف شیش بنگر، بهره چه هستش بنگر  
مزن نگارا بربط، به پیش مشتی خربط  
مرا ان توکشتی بی شط، بگیراد اوسط

با این غایب که کت ایه تصنیف کاما

است و تنها میخته با موسیقی و پر ب  
اخان ، ملاحت خود را شان می دهد :

پند تصریح کن که بین سخت است پس  
سخت ترشیبدیند من ازیند تو  
عشق را نشناخت داشتمند تو  
شرح این ماجرا - روی کردن مولوی به  
شوره زمینی، شوره زمینی کزت و کند او آب بینا ری  
سبزترآمد، سبزترآمد از همچاهان گشت؛ و گیا هش  
سلسله جنبان، سلسله جنبان گشت برادر، این دل  
محبیت

ساع و مچس خان و موسیقی و رقص و  
دل گندن از آنجه بیشتر مایه‌هی  
قریب و اصل عبادت می شمرد - از زیان  
سلطان ولد شنیدنی است که نقل میکند  
گلزاری خود را در اینجا میگذراند

میلادن و میرب تازه ای او، ملایان را  
بسته می آورد و به وحشت میان دارد  
که نکندگان همان تخته شود و کاخ  
سی اتشان فروریزد:  
غلغله و فتاد آند، شیر

شهرجه؟ بلکه در زمانه دهر  
کاین جنین قطب و مفتی اسلام  
کوست آندرد و کون، شیخ و امام  
شورها میکند چوشیدا آو  
گاهینها و گدهویدا آو

چون مست نیستم نمکی نیست در سخن  
ز ب ا تکاف است دادی — ماجتمعاً

دست به دست هم دادند و تحت رهبری حزب دمکرات آذربایجان کارنامام بدران خود، اقلاییون جنبش مشروطیت را دنبال کردند.  
بینانیه حزب دموکرات کردستان ه مناسبت سی و هفتین سال‌روز و قایع ذریبا (جان)،  
بگر رهبران حزب دموکرات کردستان بدليل صفرسن و پایا موشی عمدتی، رهبران حزب دموکرات آذربایجان اشمي شناسندويا با از اظهار رنطرقا ضي محمد (که آقابيان خودرا آدا مدهند هر راه او بيدانند) خبرى تدارند هر فرقه نسبت لى اين دونمنوه را پيراي اينکه عقای ساده بخواهند و پيدا ننده که مرنخ مردم حزب در چه است ذكرى مى کنیم:

پدرگریز و مهربان، میرچندر  
با قرا وف مدرشورا یعالی آذربایجان  
شوروی ) . حق آذربایجان جنوبی  
که جزو لاینیفک آذربایجان شمالی  
است . مانند همه خلق های جهان چشم  
امید خود را به خلق بزرگ شوروی و  
دولت شوروی ذو ختنه است<sup>\*</sup>  
(۱) آذرب - تلگرام سران  
فوقم دموکرات آذربایجان به دبیر  
اول و صدر کمیته مرکزی حزب  
کمونیست جمهوری شوروی  
سویسالیستی آذربایجان به بنقل  
اروزنا ماه آذربایجان شماره ۲۱۳۵  
چاپ باکو (۲۳ آذر ۱۹۲۹) .

ویکسال قبل از آن، در جلسه عمومی  
فعالان فرقه دموکرات آذربایجان  
به مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس  
فرقه، قطعنامه‌ای به تصویب می‌رسد که  
بموجب آن از کمیته مرکزی فرقه  
می‌خواهد که در مقابل تشویج  
و گمک احیائی که برادران هم خون آنها و  
به پیوژه رهبری حزب کمونیست آذربایجان،  
پس از مهاجرت آنها به "میهن خود"  
یعنی آذربایجان شمالی "به آنها  
بپیش از دولت داشته اند سپاه سگزا ری کنند.  
کمیته مرکزی هم در مقابل این تقدیم  
فعالان تلگرام زیرا مخابرہ می‌کند:  
"رهبر عزیز، بدر مهریان، رفیق  
میر جعفر بارقا وف، از تاء سیس  
فرقه دموکرات آذربایجان که  
رهبری پیکار مقدس خلق آذربایجان  
در راه آزادی ملی و نجات قسمت  
جنوبی سرزمین زاد و بومی وطن عزیز  
ما آذربایجان را که ساله است در زیر  
پنجه های سیاه شوونیست های فاس  
دست و پا می‌زند بعده دارد سه سال  
تمام می‌گذرد. سومین سال  
تاء سیس این فرقه مبارزه کلیه  
عاقمندان خلق آذربایجان و به شما  
که رهبر عزیز و پدر مهریان ما هستید  
شادیا ش می‌گوییم".  
(امفأء كښندگان: عده‌ای از اعضای  
فرقه، حکومت ملی، سازمان  
فدا کی ها که به قسمت شمالی و آزاد  
وطن خودها جرت گردیدند.  
روزنامه آذربایجان شماره ۱۸۶  
چاپ باکو - ۱۹ شهریور ۱۳۲۸)

کنون با یدا زهیران حزب دموکرات  
 کردستان سئوال کردکه آیا این وهیران  
 واقعاً فرزندان خلف شیخ محمد خیابانی  
 و اسماعیل امیر خیزی هستند که اولی  
 پیشنهاد کردده بودکه اسم آذربایجان  
 غیری یا بدودومی اسم آزادیستان  
 را برای آن انتخاب کرده بود تا پاسخی  
 به عمل روس‌ها داده باشدکه اسلام  
 ران را به آذربایجان تبدیل  
 کرده بودند ۱۱

تافتیش عقا یدتا سیس کرده است .  
مشهورترین قربانیان آن درگیر ب ،  
بها نیاشند که متعصبان رؤیم معینی ،  
دمی از تعقیب آنان دست نمی دارند .

جنوب شهرهرا ن، ترمیتا ل خزانه که  
در آن بدای زیرسان انقلاب اسلامی درود  
میفرستاد از یا دکسی نرفته است  
که اخوی گرایی شان با فراموش کردن  
سوایق خود، در مردم رفیع رساند که ترا پیش  
دریا رسیس مدارک گشتن لکری ژئو، نامه  
در سرهنگ محززی وغیره، بعنوان یک  
محقق و حقوقدا ن چتین اطها رفشد  
مم، کند:

اقدامات بیرحمانه رژیم باقی  
علیه ملت ایران در سارکشیوز  
یکم و شصت و سه هزار (۱۴۳۰۰) اقربانی  
اعم ریشه و رحمی وبالغ بر  
۷۷۵۰۰ کشته بیار و رده است.  
لازم به یاد وری است که تابحال  
در حدود سیصد تنرا زجمانی  
دادگاههای انقلابی با اعدام محکوم  
شده اند. از تاریخ وقوع انقلاب  
تا حال در خیابان های تهران  
حوض افراد رژیم سابق ۲۵۰ نفر  
پاسدازی قتل رسیده اند. اعدام  
شدن در دادگاههای انقلابی با  
توجه به جرم مشهود آنان در هر  
دادگاهی درجهان صرف نظر نشود و  
آینین دادرسی، این افراد را به اعدام  
محکوم می کردند. رجوی آنکه  
به اشاره به گفته یکی از روسای  
جمهوری فرانسه گفت: انقلاب یعنی  
فقدان مشروعیت.

(اطلاعات ۲۶ تیر ۵۸ معاحبه کاظم  
رجوی عسفی و نیما یزده جمهوری اسلامی

۱- ایران آیت الله خمینی به آسانی در زمرة رژیم های رذل و نفرت انگیز جهان جای می گیرد.

هوسنگ زرمه

حدیث مدعیان

حدیث مدعا بن و خیال همکاران  
همان حکایت زردوز بیویاپ ا است  
حافظ

# از سیم مهندسی تا هم زیست‌کاری

معروف میباشد که  
اردوگاههای اجباری برای تهاجمکانی  
که دستهای تغییرسفید آرندیمکرده بود.  
ب: تابه‌امروز هم آقا یا ناگفته  
گذاشته اندکها ین رجال ملی و مذهبی  
که ضرورت شناس با امپریالیست‌ها را به  
تجربه شخصی آزموده اندچه کسانی هستند.  
حالا که چهار رفصل آزادی درکشور ما تمام  
شده است چرا در غربت هم این اسما را  
محفوظ نگاه مهیدند. نکند بقدم معامله  
است؟

ب: آقا یانی که اول و آخر اعلامیه  
خود را بجلات عربی و آیه‌های قرآن  
شروع و ختم می‌کنند و چرا اینجا  
تاریخ ملودی بکار می‌برند؟  
آیا غم ملوکانه رهبره میشه در حله بعد  
از سفریکی ازا ضای مجاهدین خلق به  
مسکوبوده و یا بعداً زان؟

در مرورد را بظه جدیدشان باکشورهای  
مختلف اطلاعاتی لازم بیست چون همه از

آن اطلاع دارند، برای اطلاع پیشتر در موضوع رابطه با کشور برا در بزرگ رجوع شود به معاحبه رهبر و همزدیف با هفتادنامه "اوینیتھ" چاپ پاریس.

۲ - توافق چپ و راست در ایران سبقه‌ای دیرین دارد. سید خلیل الدین طباطبائی بعد از مراجعت به ایران (۱۳۲۰) جزوی این بنام شاعت‌مرلمی منتشرکرده بود که به علت استفاده از لغات و مظلومان عربی

کان در از به  
بریالیستهای  
در

روی از آنجا  
است این  
محکوم  
اطی برقرار  
مال ۱۹۷۲ با  
بات کی. ا

ناظر عنیتات آن را عنیتات سید  
می خواندند. او آرزو داشت که روزی به  
جای صاحب محروسه ایران، کامله  
مالک متعدد ایران بکارگرفته شود.  
آقای دکتر کشاورز نیز در مقامهای که  
در شماره آخر مجله روزگار رئوبی چاپ  
رسیده است این آرزوی خود را کما ایران  
باشد مالک متعدد گردد یک با ردیگر  
تکرار می کند. که بقول خود  
ایشان، خواسته بکفرشومیرود که ایشان  
هم نم دارد. و گرته چه اصراری است  
که این مملکت را تکه پاره کنیم و  
سیستم حکومتی را که در آن هیچگاها صحبت  
از حکومت قوم یا گروه قومی بر قوم  
دیگر نبود بهم بزنیم. نگند آقای  
دکتر هنوزهای حکومت فرقه ای را دارد  
که بعثت ر  
کشیده اند  
شناور  
ال سیاست  
بود...  
للق بعنوان  
ران -

بیکوئیم در تمام این نقطه دوکشور است نکند منظور پر، تماس پیر روان برقوق بشمر بظور از میتوتی دلربسا شمع مرده، باد رفته، دلربسا غوطه خور از نشگ کژبینی ها.  
۳ - مجاهدین خلق اخیراً "اعلامیه ای در پاره نفع حقوق بشر در دادگاه ههای خمینی مادرکرده اند. وقتی که به آقایان اعتراض می شود که مشاهده این دادگاه ها را بررسیت شناختن دید و آن ها را تاثید کردیدا نکار می کنند. مت سخت این، هب همیشه دادگاهی د.

فرودگاه‌های رم و وین دست بزنشد.  
له‌ماتن - ۳۰ دسامبر

● یک دا دگاه جمهوری اسلامی، سیدسا لم مسعودی، تبعه ۳۶ ساله یمن جنوبی را به چرم ربودن یک هواپیمای جست سعودی به تهران، در شوا منبر ۱۹۸۴ بهدوازده سال زندان محکوم ساخت.

تائیمز - ۳۰ دسامبر  
بی سی سی ان

● منابع حمل و نقل دریا یی در خلیج فارس اعلام کردند که جمهوری اسلامی در نظرداز از استفاده از پایانه خارک چشم بپوشد، زیرا مخازن روپایانه از تریست های با رگیری خارک، از عمله های هوا یی مکرر عراق، صدمه های سخت دیده است.  
 جمهوری اسلامی، به جای خارک، در نظر دارد از دو پایانه شناور گنا و ده علوی استفاده کند.  
 گاردنین - ۳۵ دسا میبر



عرفات - گفته بودم

—  
—  
—

صفحه ۵ از پیشنهاد

نانون جهانی تروریسم، لیبی سنت  
کی قذا فی را یکی از خطرناک ترین  
ما مداران دنیا توصیف کرد.  
دراین میان، "بیلدام زون شاگ" ،  
غفته‌نا مه آلمان غربی نوشته:  
ذا فی، بربایه، قراردادی که با  
ابو شذال بسته است سالانه ۳۲  
میلیون دلار بهوی می پردازد تا سو  
صدھای خون باری رادرسرا سرجھان  
ترتیب دهد، این هفتہ ناما فروزد که  
ابونڈال " به چندین کوماندوی  
تروریستی که هم اکنون درا روپا بر  
سی بیرون دستورداده است که به سو  
صدھای تازه بی مشا به سو قصدھای

**Seaboro Oil Company of Delaware**

امتیازی برای ناحیه، شمال شرقی ایران بدست آورد ویک شرکت فرعی بنا Amiranian Oil بهاری بهره بردا ری از آن تشکیل داد ولی پس از یک سال به علت اسکال حمل و نقل آن را ترک کرد. سپس در ماه مه ۱۹۳۹ (۱۲۱۸) یک شرکت فرعی شرکت بلندی شل پروپانی برای عملیات اکتشاف در آذربایجان به عنوان مقدمه یک امتیاز اکالی برای هرینچ ایالت شالی بدست آورد با این شرط که افراد مردم بتوانند تا میزان ۴۰ درصد در هم آن شرکت کنند و در مقدار ۵ درصد منابع عملیات بددولت پرداخت شود و ولی با پیروز حنگ استفاده از این امتیاز ممکن نگردید و با لآخره موضوع آن در سال ۱۹۴۴ منتفی شد.

در سال ۱۲۲۵ بعداً زورودا و سرخ بادیران دولت سوریه موضوع را برای اقدام به تحییل امتیازیست در ایالات شمال این سب داشت و خواست احیای موضوع کویر خوریان را وسیله‌ای آن قرار دهد اما دولت روی موافق نشان نداد و نتیجه‌ای حاصل نشد.

در اواخر سال ۱۴۲۲ شرکت نفت شل و دو شرکت امریکائی بحق  
تحصیل امتیاز نفت با دولت ایران وارد مذاکره شدند و  
عکن العلی که دولت نشان داد حکایت از موافقت اصولی  
می‌گرد. دولت سوریو با استفاده از موقعیت در صدد تعقیب  
قدام قبلي خود برآمد اما دولت جون از قصد سوریو آگاه  
بود در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۴۲۲ تصمیم گرفت در مدت ادامه  
حق از هر کوئه مذاکره در باره امتیاز خودداری کند و  
مذاکرا شی را هم که با شرکت های امریکائی و اروپائی شروع  
نموده بود قطع کرد. با این حال دولت سوریو دوهفته  
بعد هیئتی به مریا است کا فتاراده معاون وزیر خارجہ  
برای مذاکره در باره امتیاز زنگنه به تهران فرستاد. علت  
این یافشاری این بود که دولت سوریو با بیش بینی وضع  
بعده زجنک بیش از بیش نه تنها به عمل اقتضا دی بلکه  
همچنین به ملاحظات سیاسی لازم می داشت حد اکثر کوشش  
را برای بدست آوردن امتیاز زنگنه در شمال ایران به مخرج  
دهد. جورج کنان Kennan کاردار سفارت  
امریکا در مسکو طی کزارش به وزارت خارجه امریکا انگیزه  
تصمیم سوریو را اینگونه توضیح داد:

"محرك اساسی اقدام اخیرشوروی در شمال ایران احتمالاً احتیاج به خود نفت نیست بلکه ترس از امکان رخته کردن نیروی خارجی در آن منطقه است که بدھیثیت شوروی صدمه خواهد زد. نفت شمال ایران مهم است تنهیه عنوان جیزی که روسیه به آن نیازمند است بلکه بعثتوان جیزی که اگر مورد سپاه برداری میگران قرار گیرد خطربات ک خواهد بود." (۱)

درستیغیب این نگریکتارمده درباره روح ۱۱ آذر ۱۴۲۲ طرحی  
نهفید دوپورت به تقویت ملحن رساد که طبق آن  
سخت و رسرا و وزیران و دیگران از هر کوتاه مدار گردانید کار  
دولت ها و سرکت های حارجی در ساره ای امیاز معن سند و  
محاررات پیچید از این ناسون سه انتقال زندانی  
انتقال دائم از حد ماب دولتی سفر رکردید.  
دولت سوری این اقدام را نداند بیصر علیه خود لفسی  
کرد و آن را بهانه اتحاد دروش عرب دوسته نسبت به ایران  
غیر از دادوشون به یک سلسله حداقل در امور ایران بوسبله  
سروهای بظا و عمال و ما موران خودنمودکمی بعد  
موجب شکایت ایران بدشورای امنیت گردید. با لاحر دوست  
ایران خواه با قیدا نشانه خواه بحضور یک تدبیر زیر کار نه  
عملحت در آن دیده که نسبت به عذتر از ردا دنفت با دولت سوری  
طیار موافق گند.

فواض السلطنه درست نخست وزیر به مکورفت و درنتجه،  
مذاکراتي که با استالين به عمل آورده را جمع به تهرا  
موافق سعادت در تاریخ ۱۵ فروردین (۱۲۲۵) وریل (۱۹۴۴) سازد.  
ساده حکمت شفیعی اتفاقاً دکرسوج آن بشرط

ب سادھن سینیر سوری، فایر و مکووب، نیکرس  
تمویل مجلس جنین در پلکار فند سد کشکتی بدمان شرک  
محاط سفت ایران و سوری برای سینه مردانه از ازمان ایع  
اختی شمال ایران به مد بحاصال ناء سینه شود و نیز  
لشیام ایران و سوری دیر آن نا ۲۵ سال ۴۹ و ۵۱ درصد و بسی  
ار آن ۵۰ و ۵۵ باید.

فیوض السلطنه در هر مورد کدسته مینما ب و اندادا ماتس حاکمی ای  
سازمان طاوش روی بودجه می کرد و بخوبی از نتاراضائی مها مام  
آمریکایی سکاحد، از جمله در مرور دقت عذر اخای موافق نداشته

مُصْدَق

# ونهضت ملی ایران

## شوروی و نقش شمال

فؤاد روحانی

در خواست اعیان هفت شهال

سفیر انگلیس طی گزارش هاشی که به لندن می فرستاد این وضع و عجز دولت دربرا بیر آن را گوشزد می کرد و ضمانته "خبر" می داد که اکنون امریکائی ها سروع به ابراز علاوه نسبت به نفت شمال و امتیاز خشتاریا کرده اند. دوکاران پخصوص جلب توجه می کردند طی یک گزارش بهمناریخ ۷ مه ۱۹۲۱ سفیر به لرد کرزن اطلاع داد که نتخت وزیر امور خارجه (قوا مسلطه) دربرا بر تفاخر اودا بربرا ثبید حق شرکت نفت انگلیس می کوید هر قدر دولت ایران اعتبار امیاز خشتاریا را تصدیق کند به رحال مخالف شوروی مانع بهره برداری شرکت آزان خواهد بود. طی گزارش دیگر بهمناریخ ۸ مه اوجنبین اظهار نظر کرد: اگر امریکائیها وارد صحنه شوند ممکن است شرکت آن ها در مسئله نفت شمال برای شرکت نفت انگلیس مفید واقع شود جون وزنهای دربرا بسر فشار شوروی خواهد بود. اما بطوری که قبل از گفته شد نظر اکثریت دروزارت خارجه، انگلیس غیر از این بسود وقتی در واخر ماه اوت ۱۹۲۱ (شهرپور ۱۳۰۰) معلوم شد که وزارت خارجه امریکا به تفاخای سفیر ایران حاضر بشه اقدام نسبت به موضوع نفت شمال شده و با شرکت استاندارد نیوجرسی در این باب تعامل گرفته است. کرزن به سفیر انگلیس در تهران دستور داد که قووا "به دولت ایران اعتراض کند و تذکر دهد که دولت انگلیس اعطای هرگونه امیاز زنفت شمال را منافقی با حق مکتبه شرکت نفت انگلیس تلقی خواهد کرد. اما دولت به اعتراض سفیر انگلیس توجه ننمود و توافقی در رتا ریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۲۱ (آذر ۱۳۰۰) بین شرکت استاندارد نیوجرسی و دولت ایران در مورد نفت شمال صورت گرفت و ضمن آن مقرر شد که شرکت مزبور حق استئصال انتیار را بدینهی دولت یا شرکت خارجی نخواهد داشت. در ماه دسامبر (دی ۱۳۰۰) شرکت نفت انگلیس با توجه به میانی این بودن روس لرد کرزن، در صدد مبارکت با شرکت امریکائی برآ مدومند اکرانی بین طرفین صورت گرفت که به حصول شبهه سردیک می شد. اما در مرحله نیاشی (اواپل سال ۱۹۲۲) شرکت استاندارد به عمل آمد سایح مسکوک رمین ساسی و اخلاقی سرکه با شرکت نفت انگلیس بیدار گردید و سودا رستغب موضوع مصروف شد. چند ماه بعد شرکت امریکائی دیگری بعنی سینکلر برای تحصیل امیاز نفت شمال با دولت ایران وارد مذاکره شد و در ماه زوشن ۱۹۲۲ (خرداد ۱۳۰۲) موقو به گسب امیار گردید. اما در سال بعد بدعلل فنی بایسی اسی یا حتی برادر یک حاده، مرموز خدا امریکائی بعنی فیل کنول امریکا (ماژور اسپری Imrie) هکما عکس برداری از یک محته مرامه اوت (مرداد) به وقوع پیوست تعمیم به ترک امیاز گرفت.

حالا که میدان از همه دا وظیان خالی شده بود با ردیکر خشتاریا در مدد بیهوده بردا ری از فرمان ناصر الدین شاه رامد و چون تشخیص می داد که هیچ اقدامی در این موضوع بسدون موافقت روس ها به نتیجه نخواهد رسید با آن هاشم گرفت و با اخراج باوات اساتید اورسال ۱۳۵۴ شرکت به نام شرکت سیما می نفت که کسی خورسان ناء بسی و باشک روسی به میزان ۵۶ درصد در آن سهم دارد. طی سال ۱۳۵۵ مقداری حفاری در تزدیگی سیمان بولسله، میندنسین روسی انجام شد اما جون شیخیان از آن بست نیما مد عملیات فنی متوقف شد و شرکت فقط بصورت یک شرح بعنی با موجودیت مکار و باقی ماند.

داستان کوشش های بی شمار که دشکستن نفت شمال نام داشت این دو شرکت دیگر را نیز برداشت از دوستی این دو شرکت:

ذوق‌نمای تاریخ ثفت ایران هیچ موضوعی پرحا داشت—  
بی توجهه تراز موضع نفت شمال یافت تئی شود. داستان  
ثفت شمال را می‌توان در عبارتی که شکبیز عنوان یکی  
از کمدهای پیش‌قرارداده است یعنی "هیاهوی بسیاری برای  
هیچ" خلاصه کرد. ناصرالدین شاه در آخرين سال سلطنت به  
موجب یک فرمان، حق بهره‌برداری از معادن ثفت را در  
ما زدرا ن به سپهالار اعظم توفیق نمود. چندسال بعد که  
دارسی امتیاز ثفت جنوب را بدست آورد سپهالار هم به خود  
او و بعدی شرکت ثفت انگلیس پیشنهاد کرد که حق مزبور  
رزا و خربیداری کنند. اما آن‌ها با این استدلال که اگر به  
فرض ثفتی در آن ناحیه کنف شود دوران به خارج عملی و  
اقتصادی نخواهد بود، از پیشنهاد او استقبال نکردند. در  
سال ۱۲۹۵ سپهالار موضوع فرمان ناصرالدین شاه را به  
یک فردگرچی به نام "ختاریا" منتقل کرد و این انتقال  
در دنیا ترویز از خارجه به نسبت رسید. یک سال بعد  
دولت ایران تصمیم به غالی امتیازات روس‌ها گرفت اما  
ذکری از امتیاز خستاریا بعیان نیا مدد و امتیاز را  
همچنان معتبر می‌شناخت و در صدد انتقال آن به شرکت ثفت  
انگلیس بروآمد. شرکت مزبور از مراجعت خستاریا طی  
سال‌های ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ نکرد؛ اما با لآخره بنای ملاحظاتی که روشن نیست، نظر  
خود را تغییر داد و در ماه مه ۱۹۲۵ (۱۲۹۹) با خربیداری  
حقوق خستاریا شرکتی به نام شرکت ثفت شمال ایران با  
سرمایه سهمیلیون لیره تشکیل داد خستاریا و شرکت  
(شرکت مزبور به نام Rupento) را در آن سپیم  
نعمود. دولت انگلیس علی‌رغم نظرسی‌خود را پس از  
(سر هرمان نورمان Sir Herman Norman) اقدام شرکت را تائید کرد و به سفیر استورداد که تصدیق  
حق اکتسابی شرکت را از دولت ایران رسماً "درخواست کند.  
سفیر این تصمیم مخالف بود، چون با توجه به اینکه اعلان  
امضای قرارداد انگلیس و ایران باعث تحریک احساسات  
ضد اینکلیس شده بود، عقیده داشت که طرح موضوع سی‌نتیجه  
نخواهد بود و در ماه ژوئیه ۱۹۲۵ در نهاد مهای خطاب به لرد  
کرزن نوشته بود: توجه به‌این نکته ضروری است که  
در حال حاضر احساسات عمومی شدیدی علیه انگلستان وجود  
داهد و موضوع شرکت ثفت شمال هم‌مشمول آن خواهد بود.  
با این حال اورسیتا میر ۱۹۲۵ طبق دستور لندن عمل کرد  
وموضوع را با اراده اسناد انتقال، با دولت در میان  
کذاشت، اما دولت عکس العملی نشان نداد. لرد کرزن با  
وجود نظر مخالف سفیر به دلیل دیگری در تنظر خود دارد پر بر  
لزوم استقرار شرکت ثفت انگلیس در شمال بافتاری می‌کرد.  
دلیل مزبور این بود که در ماه ۱۹۲۵ در مساله گذشت  
جلب توجه امریکا به ایران و تشویق امریکائی‌ها بسته  
سرمایه‌گذاری در ایران سرآمد بود و کرزن هرگز وی را  
کردن امریکا در شمال ایران را قابل مخاطب نکلیس نظری  
می‌کرد. چون ساختن گذ اوضاع اعمال کشیده در  
قرارداد اینکلیس و ایران بیرون می‌گردید بود سلطان بر سریت  
نمود اتحادی اینکلیس در سراسر ایران بود. یکی از  
معاونین او، شریف‌پوریا "دارای همین نظر بود که اینکلیس  
باید خود را امور ایران سلط داشته باشد یا لافل  
باید نگذارد دیگران جنسن تسلطی بپیدا کنند، و این نظر  
را دریا داداشی به‌این عبارت بیان کرد که:  
"ایران برای ما مثل مکریک است برای امریکا، یعنی  
حسابه نرا حتی است که مانندی توای نیم آن را زیر نظر  
خود بیاوریم و نهی توای نیم بینیم که زیر نظر دیگری  
است".  
اما این نظریه، ضاد مریکائی دروزارت خارجه، انگلیس  
حال‌گان بر جسته‌ای هم داشت. مثلاً سربراہ ونسیتارت  
(Sir Robert Vansittart) معاون وزیر  
خارجه نظر خود را در سرونه، این موضوع بمناسبت  
مضمون یادداشت کرد که:  
"من نمی‌توانم از این موضوع بسیداً مریکائی زیاداً حساس  
نگرانی کنم، تنایلم بیشتر به‌این نظریه است که اگر  
امریکائی‌ها به‌مناطقی علاقه‌مند شوند که تبدیل روس در  
آن وجود دارند یا ممکن است به وجود بیاید؟ این بدبضع ما  
جواهی بود".  
در هر مورت در اواخر سال ۱۹۲۰ (۱۲۹۹) یک تغییر کلی در  
وضع بیداشت، به‌این معنی که سا و رو دار نتر سرخ به‌ایران و  
کنترل نفوذ سوری در مناطق شمال و اوضاع کریم‌کاه تغییب  
مسئله ثفت شمال از طرف شرکت ثفت انگلیس با هم رکت  
دیگر مواجه نماید، این خواهد بود. قدم‌های اولیه، بعد

می کردن دولتی با اخراج عامل اصلی یعنی قدرت سوروی ضعف  
کا در تضمیم کبری را جبرا ن و بقول یک توبیشه " سران حزب  
را در دفاع سرتخته از تقاضای سوروی متفق کرد . ( ۶ )  
بطوری که آن ها هنگام ورود کافتا را دره به تهیه ران  
دسته های تحت محا فحظت تانگ های ارتش سوروی در خیابانها  
برای اطهار سنتی از میسون او براه انداختند ، اعضا  
بر جسته حزب لازم می داشتند برای شوچیه روش حزب  
در این موضوع فلسفه ای قائل شوند . فلسفه " آن ها بطوری که  
در روزنا مه رهبر به تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۲۳ بیان شداین بود  
که برای خنثی کردن سیاست یک جانبای کدرگ و بوسی  
سازمان دولتی زینه دوانده بود می باشد نی روی  
جدیدی موردا استفاده قرار گیرد . در این موضوع همسان  
نویسنده می گویند در هر حال " سران حزب که بکره تسلیم شده  
بودند برای خوراندن امتیاز هم به اعماقی حزب وهم به  
ملت ایران به هر شیوه ای توسل می جستند . ( ۷ ) و توصیه های  
نظری مانند آنکه گفته شد عنوان می کردند . درباره " تعبیر  
طرز عمل قوا م بیسترسان حزب ما شند اکثر اعماقی مجلس و  
ناظران اوضاع در خارج مجلس عقیده داشتند که ادولت سوروی  
را اغفال کرده بودتا تصور کنند که متنبا زنفت را واقعاً  
بدست خواهد آوردوا زروش حتماً نسبت به ایران دست بردا رد  
و در این اصول متفقند . ( ۸ )

تخلیه ایران از نرسوی سوروی

بطوری که درقرارداد سجانبه، مورخ ۲۹ زانوی ۱۹۴۴<sup>۵</sup> بیشینی شده بود دولت شوروی متعهد بود ظرف شرط ماه بعد از این جنگ شوروهای خود را از خاک ایران خارج کند. موعد مذبور ذرثاً ریخ ۲ مارس ۱۹۴۶<sup>۶</sup> (۱۱ آسفند ۱۳۲۴) سرسیدولی شوروی به طور یک‌اُزبک‌بل معلوم بود (وبهایین مناسب و همچنین مداخلات ناوارای شوروی در امور ایران دولت در دیماه ۱۳۲۴ شکایتی در شورای امنیت سازمان ملل طرح کرده بود) به تعهد خود عمل نکرد. در تاریخ ۵ مارس ۱۹۴۶ سفیر ایران در مریکا شرحی به وزارت خارجه امریکا نوشت و درخواست نمود که دولت امریکا بعنوان املاک کنندۀ قرارداد ۱۹۴۲ به دولت شوروی تذکر دهد که تخلف از تعهد مورد بحث تجاوز به حاکمیت ایران است که املاک اینندگان قرارداد آن را تضمین کرده بودند. دولت امریکا در همان تاریخ ۵ مارس به کاردا رخداد مسکودستور داد که موضوع را به صورت اعتراض با دولت شوروی در میان بگذارد. در آن تاریخ قوا مسلطه که بلاتا مله بعذار انتساب به نخست وزیری به شوروی رفته بود در مکونه غول مذاکره با دولت شوروی بود. سی از مراعت او به تهران سفیر امریکا با املاقات کرد و در تاریخ ۱۱ مارس جریان مذاکره با اورابهایین شرح به وزیر خارجه<sup>۷</sup> امریکا که از ارش داد که هرجئند در پایان مذاکره طرح تناقضی بین طرفین تبیه شد ولی در حقیقت هیچ نتیجه مثبتی بdst نی مدد بود. بهایین معنی که در مردم اقی ماندن ارتش شوروی در ایران<sup>۸</sup> استالین بعذا استناد به مقررات عهدناه<sup>۹</sup> ۱۹۲۱ و جواب قوا دایر بر مربوط نبودن آن عهدهای به موضوع مورد گفتگو اظهار کرده بود در هحال صالح شوروی (بدون توضیح) ابقاء ارتش ما را در ایران ایجاد می‌کند. و حال آنکه در حقیقت منافع شوروی از یک جهت مهم (تصویب قرارداد دفت از طرف مجلس شورا) خروج ارتش شوروی از ایران را ایجاد می‌کرد جون مجلس چهاردهم پیش از انتساب قوا قانونی گذرا شده بود که شروع انتخابات مجلس پانزدهم را موكول به خروج نیروهای ارتش سرخ از کشور می‌کرد.

در تاریخ ۲۶ مارس وزیر خارجه آمریکا در شورای امنیت حضور باقت و بایادآوری تممیمی که شورا در تاریخ ۳۰ ژانویه در مردمشکایت ایران ( راجع به دو مطلب یعنی عدم تخلیه ایران از ارتش شوروی و مداخلات عمال شوروی در امور ایران ) کرفته بود، گفت دولت شوروی اظهار می کند که قراردادی با ایران منعقد کرده است ما جنون این مطلب از طرف شما ینهاده ایران نایید شده باشد از اوضاع شودکه در جلسه شورا حضوریافت و موضوع را روشن کنند.

در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۴۶ (۱۵ فروردین ۱۳۲۵) موافقتنامه<sup>۱۱</sup> قوا - سادچیکف در تهران امضا شد و بیناول آن بهای معمون بود که "قوای ارتش سرخ از ۲۴ مارس یعنی یکشنبه ۴ فروردین ۱۳۲۵ در ظرف یک ماوه نیم تمام خاک ایران را تخلیه می شمایند". در همان تاریخ ۴ آوریل شوروای امنیت حل مسئله ایران را اعلام و اتفاقه کرد که در سرسی‌شد موعد مقرر یعنی ۶ مه ۱۹۴۶ دولتین با یدبخ شوراگزاری و شده که ارتش شوروی ایران را کاملاً تخلیه کرده است.

# مصدق

---

# ونهضت ملی ایران

---

# در کشاکش چپ و راست

د - در مورشی که بعد از تفحصات مذکور در بندب وجود نداشت به مقادرا رقابل استفاده باز رکابی در نواحی شمال ایران مسلم گردد دولت مجاز است در باب فروش محصولات آن به اتحاد جماهیر شوروی با آن دولت وارد مذاکره شود و نتیجه را به اطلاع مجلس شورای ملی برساند.

ه - دولت مکلف است در کلیه مواردی که حقوق ملت ایران تثبیت به عنوان شووت کشور اعم از منابع زیروز میمیزی و غیر آن موردن تفییع واقع شده است بخصوص راجع به نفت جنوب به منظور استیفا حقوق ملی مذاکرات و اقدامات لازمه را بعمل آورد و مجلس شورای ملی را از نتیجه آن مطلع سازد.

به این ترتیب موضوع تقاضای امتیاز نفت از طرف شوروی خلاصه یافت . سفیر شوروی طی نامه ای به تاریخ ۲۸ آبان ۱۳۶۶ خطاب به نخست وزیر اطهار کرد شتمیم مجلس در داد و نفع نامه نهاده نفت شمال بخصوص با این تقاضای امتیاز نفت جنوب تبییض فاصله علیه شوروی است .

نفس حزب توده

نفت جون بیم آن داست که امریکا آن زادلیل گزائیش او و به سیاست سوروی تلقی کند در مددجلب اطمینان و رضا پیت دولت امریکا برآمد و دو هفته قبل از اینجا، دراین باب به سفیرا مریکا توضیحی داد. در تاریخ ۲۲ مارس (۴ فروردین ۱۳۲۵) سفیر به وزارت خارجه گزارش داد که قوام بطور خصوصی به او و گفته است امضا قرارداد امتیاز نفت شمال اجتناب ناپذیر است جون ایران درگذشته شعیف به تفعیل ائمگستان کرده و اعتراف سوروی نسبت به این موضوع موجه است. وقتی قوام اظهار کرد که جنایجه امضا قرارداد صورت پذیرید اوتورتیبی خواهد داد که امتیاز نفت در بلوچستان به امریکا کشی هادا ده شود. سفیر گفت هما کنون ائمگلیسی ها می کوشند تا در آن ناحیه امتیازی بدست آورند ولی قوام جواب داد ائمگلیسی ها هر حقی در ایران تاکنون کسب کرده اند دیگر برای یستان کافی است. (۲)

یک شرط میم که در موافق نامه ۱۵ فروردین قید شد  
بود این بودکه طرح قرارداد یا یاددا ظرف مدت هفت ماه  
برای تموییب به مجلس شلیل شود. دوره مجلس جهانگردی  
در اسفند ۱۲۴۴ (۱۱ مارس ۱۹۴۶) بایان می یافت و دولت  
می باشد دست به کار انتخاب دوره یا شردهم شود.  
قوام‌السلطنه در انجام انتخابات نکرده و در آن  
انتخابات از طرفداران حزب توده هیچ کس انتخاب نشد.  
مجلس با نزد هم در تیرماه ۱۲۴۶ افتتاح شد که یک سال و سه

ماه از تاریخ امضا قولنا مامنی گذشت. در تاریخ ۲۱ مرداد سفیر شوروی متن قراردا دستیاز را که بر طبق قولنا مذکووه بود برای امضاء به قوام تسلیم نمود اما قوام امضا آن را موکول به تصویب مجلس کرد. هنگام طرح لایحه، موضوع در مجلس مغلوم بود که مطلقاً "زمینه‌ای برای تصویب آن وجود ندارد. اگر این احتمال می‌رفت که در طرح، ایران را در معرض خطر تجاوز زا زطرف شوروی قرار دهد، این نگرانی با اظهار رات صريح سفیر امریکا در شهریور ۱۳۲۶ رفع شد. متن اعلامیه سفیر از این قرار

ایران نیان صاحب خانه و مختار ردرا مورکشور خودمی باشند  
آن ها آزادی کامل برای رد یا قبول فرارداد قسوا م-  
سادچیک دارند. اگر تصمیم به دردگیران آن بگیرند دولت  
امريکا در مقابله هرگونه روهیه تهدیديا ارعايی ک-  
شوری ها پيش گيرند به ايران كمك و معاudit خواهد كرد.  
این اقدام امريکا مخالفت با رزی با سیاست انگلیس  
يعني تشويق دولت ايران به کنار آمدن با سوری داشت.  
وزارت خارجه انگلیس از بیم آنکه می دارد خروج است  
شوری با علت متزلزل شدن امتیاز نفت جنوب شود به سفارت  
انگلیس دستور داده دولت سفارت کنکه اگر مجلس طرح  
سفیرشوری را رد کند دولت دوره براي تجدید مذاکره  
با زنگاهدارد. (۲) اما توسيه انگلیس مو شر الواقع نشد  
قوا مسلطه در جلسه ۲۹ مهرماه ۱۳۴۶ شرح در مجلس  
برای توجيه عمل خود در تنظيم مقاومه مورديخت بسا  
يادآوري اوضاع و احوال وقت ومسئله اذربایجان ببيان  
کرد. در جلسه روز بعد مجلس با این استدلال که مذاکره  
قوام با سادچیک منطبق با قانون ۱۱ ۷ ذر ۱۳۴۳ نبوده است  
تصمیم به الغای مقاومه مذکور فوت و به این منظور ماده  
واحده ای با ۱۵۲ رای در برابر دورای ممتنع تمویل گرد.  
 فقط بند الف ماده مذبور مربوط به مقاومه ماده  
جون همه ماده زنظر تحولات بعدی و اقدام به ملی کردن  
صنعت نفت دارای اهمیت است نقل همه ماده ضرورت دارد.  
ماده واحده - الف نظرها ينكه آقای نخست وزیر با  
حسن نیت و درستیجه استنباط از مفاد ماده ۱۰۰ قانونی ۱۱  
آذرماه ۱۳۴۳ اقدام به مذاکره و تنظيم موافقت نا مم-  
مورخ ۱۵ فروردین ماه ۱۳۴۵ در برابر ايجاد شرکت مختلط  
نفت ايران و شوروی نموده زنظرها ينكه مجلس شورای  
ملی ايران استنباط مذبورا منطبق با مدلول و مفهوم  
واقعی قانون سابق الذکر شخصیتی دهد مذاکرات و  
موافقت نا مم فوچ را بلاشر و کان لم یکن می داند. ماده  
سوم ابلاغیه مورخ ۱۵ فروردین ۱۳۴۵ کان لم يک-

ب - دولت با یدموجات تخصص فنی و علمی را بمنظور اکتشاف معا دن نفت فرا هم آرود و درظرف مدت پنج سال نقشه های کامل فنی و علمی مناطق نفتخیز کشور را ترسیم و تهیه نماید تا مجلس شورای ملی با استحضار روا طلاع کامل از وجود نفت به میرزا کافی بتواند ترتیب بهره برداری سازگاری از این ثروت ملی را بدوسیله تمویب قوانین ایجاد نماید.

ج - واکذا ری هرگونه مثیا زا ستخراج نفت کشور و مشتقات آن به خارجی ها و یجا دهر نوع شرکت برای این منظور که خارجی ها در آن بوجی ای موجود سیم باشد مطلقاً " منشروع

رسیده و بای خواندن نوشته ها و گفته ها  
مقاله های تیتان قلم رازنو سرشار از  
امید به آینده و اعتماد به پیروزی در این  
مبارزه نموده است . تصمیم جدید تان  
مبتنی بر یکی کردن دو نشیره نهضت و  
قبایم ایران بسیار پیش از پیشیده است و  
الحق هم که اکنون فرصت اش فرا رسیده  
که نهضتی را که همه مابرمغایب  
گرفته ایم به قیام تبدیل کنیم . کاهی  
چندتا ئی از روزنا مدهای منتشر شده در  
خارج را گهنه گاهی کنم بیش از پیش  
اعتبار اخبار و مقاله های قیام ایران  
برایم اشکار می شود . روزنا مه مجا هد را  
چندی قبل بر حست تهدید دیدم . باور  
کنید هنوز متاخر هست که آیا این یک  
روزنا مه جدی است یا اینکه به رقابت  
با اصرارآقای هادی حسنی برخاسته  
است که در این صورت گویی سوت را از  
آن روبوده چون فکاهی ترازا زاین مطالب  
و گفته های مکان ندارد نمی فهم کدام  
است این چون دیات را با ورکنیدیا حتی  
وقتی را به خواندن آن هایگذراند .

پیغمبر حمال سخن ام را کوشا همی کنم.  
 سلام گرمرا ، یک ایرانی عاشق ایران  
 رایه شما همکارانتان برسانید. از  
 دورنمیها بندست یک یک شما عزیزانی را  
 که با زحمات خود در راه پیروزی ایران  
 شلایر می کنیدم فشارم و برای همه مان  
 آرزوی موفقیت و پیروزی می کنم.  
 زندگویان بینده وجا و بدیاد ایران مان  
 آتن - پروین

1990-1991  
1991-1992  
1992-1993  
1993-1994

نامه های تاب و سید :

خانم لیلا خاچدری - سرگردانی هستم را  
خواهیدیم . سرودهاید :  
” آنکه سلاممان می داد  
هر روز و ”  
از سیست بینجره های سحرخیز  
که با زمی ستدند یه آوای سلامسر ”  
آکسون کجاست ؟

سیام ایران - هموطن عزیزی کدیا سام  
مستعار " کارکردنچکش خوبست خوبی زده  
سام دمایان را امنا کرد و دیدا زعنایت  
نمای در تجده کرا رس مستند ازو ضمیح  
نای سامان و عذاب آور بررسکی مسردم  
ایران ساسکرا ریم بمحی از نیما مه  
مقفل سعادت در قیام ایران سما راه  
۱۲۰ به حباب رسید و بخشهای دیگرایین  
نامه که حاوی مطالعی در می راه " تکلیل  
هسته های مقاومت است در احتیاط  
مسئولان فرا رحو هدکریف .

آقای حسن قراھانی - دانمارک - سعادت  
سوارسید . بیرا بستان آرزوی سلامت و  
بیرونی دارم .

آقای رمان بور - اسرالیا - اسدکریمان  
در موردا رسال سریه قیام ایران  
متصرفیم.

آنای بالغ کلام - دسواریهای سما مور  
سررسی فرا رخوا هدکرفت. اگرچه کمکی در  
باره بسیود و مطلع بنا هنده سان  
سیاسی بسوان کرد مطمئن شاید که  
سیفی مفا و می ایران از همه  
امکانات استفاده خواهد کرد.

جانم‌فایده - قیام ایران ارسال  
حواله دهد.

آقای مهرداد حسین عقداًی - از ایران  
سیاست‌خان ساکرایم، برایمان از  
مطالب و توتُّهای سایه نبرسید.

Three decorative five-pointed stars arranged horizontally in the bottom right corner of the page.

ادب و مقاله، نیویورک - و انتگری

برادیوی ایران - رادیوی محال  
نهضت مقاومت ملی ایران ساخته  
و انتست - ویرجینا - مریلند  
یکدها از ساعت ۱۵ تا ۱۱۳  
یاما دروی جوچ. متوسط ۱۴۵۵  
رادیوی W.O.T.

زیرتا نک ها و آتش توپخانه ها بدیار  
نیست فرستاده و می فرستد بای زورا از  
نوع بشرمی دانید و پرای او حسرت  
می بردید؟ اف برایین آدمیزا دبی خرد.  
در صفحه ۲۸۲ : " شما خود را از این  
عادات جا هلانه کشورهای جهان کنید  
همه اش برآس س دیگران توری بینا نهاده  
شده کرچه اسم های دیگری ما ننند  
مشروطه و دمکراستی و کمونیسم است و  
سوسیالیست روی آنها گذاشتند  
بپرون کنید و آنگاه به حکم عقل خالی  
از عادات رجوع کنید می بینید حدود  
اختیار یکنفرانسان چیست، آیا جزو  
تصریف در حدود دارائی خود را آنجه بطور  
مشروع بست آورده می تواند باشد  
اسان چنین اختیاری در قانون عقل  
دارد که در جان و مال یک تعدد دخالت  
کند و برخلاف میل آن ها داست درازی  
کند؟..."

تهران - عمار

## لبخند ها با پیروزی بازمیگردید

سلام و آرزوی سعادت و پیروزی برای  
شما و ای میدیزگر به نجات ایران عزیز،  
از اینکه نشیره را زنده قیام آیران را  
برای اینجا نبا ارسال داشتند صیانته  
سپا سکنارم. میلیونها ایرانی دور از  
وطن چشم به حرکت نهضت مقاومت ملی  
ایران دوخته اندتا این زدها و هیولارا  
که در لیاس مذهب آدمکشی می کنند، به  
جهنم بفرستد. جوانان نشسته دسته  
بینال خرافات آخوندی به کشتن رگاه  
جنگ فرستاده می شوند، اما بدون شک  
اینکلیبت ایران بیدار شدیه است.  
برای سی این چنین شوی بود که برآی  
میهن عزیزیما کشیده بودند و چه  
جنا یتکارانی کرد ار انجام این نقشه  
شوم شرکت داشتند! آن ها براستی  
قابل بخشش نبیستند.  
با همه این احوال همه بینال رهبر  
مقام و ملت خواهند رفت و روزی را منتظر  
داریم که آخوندهای ایران برپاده  
به مجازات برستند و بساط مذهب  
ساختگی آن ها برچیده گردد و ایرانی  
آیا دوازده مهمنان در صحنه تاریخ و  
جهان حون گذسته بپرانتخا رخود بیرقرار  
خواهد ماند، درا و سنتیز آمده است  
که: ایران هرگز خواهد مرد  
آری جنان آقای دشترا پور بخششیار  
ما میدانیم چه روحی می کشید، میدانیم  
که عشق به ایران شما را زنده خواهند  
گرد و همچون گواه استوار خواهی  
بود و نجات ایران را خواهید دید و  
خنده و شادمانی ملت ایران را مجدد  
احساس خواهید کرد و دیوان و ددان فرار  
را برقرزا و ترجیح خواهند داد.  
به امید ای زگشت به وطن عزیز ایران  
و آغا زدوران سازندگی  
با احترام و امتنان

وقت قیام است

سردبیر محترم روزنامه قیام ایران:  
با سلام فراوان و آرزوی سلامتی  
موافقیت برای همه همکاران شد،  
نا مدام را نگاه می کنم، بیشتر از دو سال  
است که بطور مرتب شریه شما را دریافت  
می کنم و خمیدا نم چطور را زاین با بتاز  
شما تشرک کنم، آنچه که هست می کوشم  
تا ایرانیان بیشتری درینجا با شریه  
شما و هدا ف آشنا شوندو به طلاق اعلان  
میرسانم که شریه شما مثل یک منبع  
موثق خیزدست به دست می گردد و حتی  
حیلی از امام سوران جیهوری اسلامی در  
اینجا بد مغض شنیدن بخوبی منتظر  
انتقاد و پرداخت و چونکی عکس العمل  
ین روزنامه ممکن باشدند که رکان مرکزی  
پیغفت مقاومت ملی ایران باشد  
من اطلاع یافتم که قیام ایران  
و ایخوا نند و دست به دست میگردند.  
به هر صورت من از طرف خودم از شناس  
کلیه نویسندها و همکاران انتشار میمایم  
شکر می کنم، برای خود من بارها بیش  
آنده است که در اوج شاید ویا رس  
بوده ام بکسریه عتما مخفخون بیک الائچی

باب تمام یا قسمتی ازنا مههای خوانندگان عزیز فقط برای بارگاهان نظرات و عقاید و برداشت‌های شخصی خوانندگان نامه هاست.

یادآوری سودکه طبع و سرنا مههای خوشنده‌های خوانندگان لزوماً "بدمعنای معموا فقیر و همراهی ارکان مرکزی نیست مقاومت ملی ایران یا مفهوده، این نامه‌ها نیست، این مفحمات در حقیقت با رازبا نظرات و عقاید گوئا کون و بینزله تربیون آزاد است.

## نامه‌ها و نوشته‌ها

## جان بوکف، آمادہ جنگی

رہبر عزیز نہضت مقاومت ملی ایران ،  
آقای دکتر بختیار ،

میهن پرستا نی هستند که منتظرند تا  
با برنا مهای حساب شده و بهره هری  
آن جناب به حیات ننگین ملایمان و  
وطن فروشان پایان بدهند. این را  
می شود در کوتاه ترین زمان صحبت با  
هر کدام از ایشان فهمید. سخنی که از  
دل بروآید برودل شنیدند....  
مطمئن با شیدکه ملت ایران همراه با  
یختیاریک زبان این ندا را سرفی دهد؛  
ایران هرگز نمی میرد.

...and the other side of the world, the other side of the ocean, the other side of the sun.

# دروغکوی بزرگ

هم وطن سلام، حال شما چطور است،  
امیدوارم همیشه موفق و کامرا باشید و  
مبارزه خود را بر علیه رژیم خونخوار  
خدمتی ادا مدهید.  
من کتاب کشف اسرار رخمينی را خوانده ام  
و در آن مطالبی یا فتنهای که با ادعای  
فعلی او وتنا قصه دارد.  
خدمتی در صفحه ۱۸۶ کتاب بش می نویسد:  
«جهتهدین هیچ وقت با نظام مملکت و  
یا استقلال مملکت اسلامی مخالفت  
نمکردند، فرضاً که این قوانین را  
برخلاف دستورات خدا شی بدانند و حکومت  
را جا برآ نه تشخیص دهند با زمانی از  
آن نکرده و ننمی کنند.»  
در صفحه ۱۸۷ - در آنده همان بحث  
می گوید: «با اصل و اساس سلطنت  
تاکنون از این طبقه (روحانیون)  
مخالفتی ابراز نشده بلکه بسیار زی از  
علماء روزگار عالی مقام در تشکیلات  
ملکتی با سلطنتین همراهی ها کردند و میانش  
خواه نصیر الدین و علامه حسنی و محقق  
ثانی و شیخ بهائی و محقق داماد و  
 مجلسی و امثال آن ها و هر قدر هم دولت  
یا سلطنتی با آن ها بدلشوکی کردند و بمه  
آن ها فشار آوردند یا اصل و اساس  
تشکیلات و حکومت مخالفتی از آن هست  
بروز نکرده و تو ریخ همه دردست است و  
پیشتبانی هائی که مجتهدین از دولت  
کردند در ترا ریخ مذکور است. اکنون  
شما می خواهید دولت را با آن ها بدبین  
کنید و این نسبت جزا رسونیست و  
فتنهای کنیزی و تفرق کلمه و ایجاد  
نفاق و ازین بودن و حدت که اساس حفظ  
کشید. آن است.

در صفحه ۲۵۹ در مورد زندگی روحانیت  
می‌نویسد: "روحانیون از همه طبقات  
یا بسیاری از طبقات رویهم رفتند بیشتر  
افتقاد داده کنند، در میان این طبقه  
اشخاصی را می‌شناسیم که یک نخ از  
منسوجات خارجه و یک خیه قنده زمالک  
اجنب استعمال شکرند. در حالیکه این  
زماداران که سنت وطن و کشور را  
اینقدر به سینه می‌زنند لیاں های آنان  
با رجههای خارجه متوجه قدیما چند هزار  
توان است و با تلوهای زنا آن‌ها از  
جندها رتومان کمتر نیست و از قماری  
وطن با اینکه آن هم امروز خوب است  
معلوم نیست یک متر حتى ترا رای  
بجههای خردسال شان هم استعمال کنند".

رہبر عزیز شفعت مقاومت ملی ایران، آقای دکتر بختیار، من یکی از جوانان ایرانی هستم که حدود ۶ روز است از جهیم خمینی خارج شده‌ام. و خاک پرگهروطن را بخواهید اینکه بتوانم روزی در آزادسازی آن نقش داشته باشم، ترک گفتم: دره آنچنان سنگین است که نباید نیمی داشت شروع کنم. ولی برای آنقدر بتوانم ظمیر بهداش می‌باشد هم از اقسام مختلف مردم که من در ایران با آنها در تعامل بودم، بطور جداگانه نام می‌برم: مدت جندماه در یک شرکت واردات‌کالا کارمی کردم که مسلم است صاحب‌دان شرکت بدون داشتن رابطه محکم با ملایان حاکم نمی‌توانند معامله‌ای انجام دهند، پس به آلت دست آنها مبدل شدم. اما جالب اینکه روز سای شرکت در خالیه خود در دل شهرتی عمیق از ملایان دارند، چون با ملایان محروم در دل می‌کنند بدون تردیدشما را بخوان رهبر واقعی شان نام می‌برند. منظور حالت کلی است که در طبقه‌ات واقعاً مرغه فعلی وجود دارد، اینها باید نهایت تاء سف برای تحصیل سودکاران حفظ ظاهرمی کنند اما در این بین سود بیشتر را ملایانی چون رفسنجانی و خانه‌ای واردیلی و دیگران بسته‌های حکومت تقلب و دزدی خمینی می‌برند. دریا ره کارمندان دولت که بعلت کار زیادی از آنها در تعامل بودم، باید یکی‌گویی که کارمندان قدمی دولت اگر دست از کار را نکشیده باشدند و اخراج نشده باشند. در بدترین وضعیت روحی و فقرماهی بسرمی بورند. بسیاری از آنها دچار رکشته و بیمه ریهای روحی می‌شوند. چون تحصیلت فشا رعیب می‌خط کارشان هستند که به وسیله‌انجمن‌های بهظا هر اسلامی انجام می‌گیرد. البته در این چند سال آخر مقدار زیادی هم از جوانان به استخراج دولت غیرقانونی درآمده‌اند که آنها را از جنديں شوی مافی گذرانده‌اند و ملایان اینکه از جمله "نورچشمی‌های" ملایان متذبذب بوده‌اند و اینکه از سازمان امنیت رژیم جاسوس پرورش تهیه می‌شوند تا اوضاع تحت کنترل خلقان آورشان باشد. اما نکته‌این است که گروهی از این کارمندان جدید هم دل درگروی یار و رهبر عزیز مقاومت ملی ایران دارند و فقط منتظرند تا در روز مقرر دست به عمل زنند. در این بین کارمندان رتبه‌بالا که خود را زرسیده‌اند اینکه از سنگین هستند، تمام رشته را در دست دارند: علیاً "رشوه‌های کلان" می‌گیرند و این امر را در شغل، که داشته‌اند مستقیماً تجربه کرده‌اند. تمام تضمیمات راجع به منافشان در حضور وزیر مربوطه انجام می‌گیرد. و حق آنها در بانک‌های خارج از کشور واردی می‌گردد.

در را بیله با نظایران هم برخورده‌ای  
خانوادگی دارم. بطور مثال یکی از  
آن ها در شهرهاست. درا بن چند مساله  
بطرق مختلف برآینه‌ها فشارهای روانی  
وارد ساخته‌اند برخی از آن ها که ابتدا  
عده‌شان کم است ممکن است با گرفتاری  
باخته‌اند. بطور مثال این شخص را چند  
بار در تپرباران ساختکی نیمه‌جان  
گردند. بطوریکه دیگر از خود  
اراده‌ای ندارد. و بعده‌ی هایشان را  
به شریاک و مموا دمدمربینا هم برداشتند.  
بگذیرم که هنوز هم که هنوز است صدی  
هشتاد فسرا و درجه داران را

## تعطيل = اسلام راستین

آنکه شناسنا مفکریش را باطل کنند؟  
این اتفاق روی داده است و خط سرخ  
بطلان بر تفاسیر اقلایی قرآنی  
کشیده شده است، خط سرخ بطلانی که نه  
تنها تفاسیر ما را کیستی سوره های  
قرآن، که هویت و موجودیت سیاستی -  
ایدئولوژیک سازمان مجاہدین را نیز  
اعلان اساقطا کرده است.

اشتباہ فاجعه میز "سورا" و "ازمان  
مجاهدین" دراین است که به عبث گمان  
می کنند با مدور بیان شدوا مخاک طرح  
پیشتوان نشده چه دیگر کنند و در پس نفای  
 جدا بی دین از سیاست، به میدان آیند.  
مثل آنان بدرستی مثل آن گمگشتن  
نومید درکویر و پرهوت است که هر زمان  
به سرا بی و فربی مسیر عوض می کنند و  
سرنجام درهمان کویر سرگردانی قالب  
شی می کنند.

کسانی که در تهران مستشاوان امریکا بی  
را غالگیری می کردن و مسلسل  
می بستند و اسلام اسلام اقلایی را تنهای  
دست مایه کار ساز برای رویا رویی با  
امپریالیسم جها تخوا روکلان سرما به های  
استشمار رگر بین الملکی "میدان استند،  
امروز در پاریس به روایت آقای مسعود  
رجوی نه خد کلان سرما یمه های  
بین الملکی اند و نه خدا امریکا بی.  
آقای رجوي ابا بی شدارد که بیس از  
دست افشاری های پیش در میان جزای  
گروگان نگیری دیپلمات های امریکا بی  
به دست جناح خوندهای ما را کسیست  
حکومت خمینی، امروز از برق رواری  
را بظه وسیع و دوستانته با امریکا سخن  
بکوید و بخیال خود کارتل های  
تراست های امریکا بی را بفریبند که:  
"درا پیران آینده، از سرما به گذا ریهای  
امریکا ثیان استقبال خواهیم کرد.  
ما بهیج روی خدا امریکا بی و ضد غرب  
شیستیم..."

تغییر موابع در یک سازمان سیاسی نشان ازبی ریشگی آن در سیاست ملت دارد. سازمان مجاہدین در سراسر اس قیوم کامل سیاسی به چنگ های لرزان دست می آویزد و بینا را برقرار بیکاری می گذارد. این سازمان هیچ شمی داند ملکت ایران طی هفت سال تجزیه خوشنیان در مبارزه با حکومت دینی به چنان درایتی رسیده است که از پیش نقاپ ها و آرایش ها و نمایش های فربیکارانه دشمنان خود را با زمی شناسد. سازمان مجاہدین، خواه از "اسلام یا استین" دست کشد و خواه بروزی چند جمهوری دمکراتیک اسلامی" را هم با عنوان فریبینده دیگر عوض کند، در هر حال سکه باطل شده ای است که از جریان خارج شده است. سکه ای سیاه و چنان بی ارزش که حتی در "حکومت صاحب الزمان نیز به گرده ای نیافرود" خواهد ارزید.

م شرح آن دریا لا گفته شد. ۱. ما یک خبر مهم نیز متکی بس را ظهیرا رات ترور من رئیسی جمهور امریکا منتشر گردید بهای سنضمون که علت واقعی عقب تنشیتی شوروی تهدیدا امریکا به عمله به آن کشور بود. خبر مورد دیگر اینست که ترور من در ماه اولیه ۱۹۵۲ طی یک محاچبه مطبوعاتی چنین گفت: «... در ۱۹۴۶ من مجبور شدم و لذتیما توسمی به منخت وزیر امور خارجه هیرشوروی فرستاده از اوتقا خا کنم که مقربات ییمان سه گانه را رعایت نماید. ارتشار روس در آن وقت از بیان رفت زیرا دولت امریکا در آن موقع دروغ عقیمتی قرار بررفته بود که می توانست با چنین وضعی مقابله ننماید. » بعد وی در توضیح اولتیما تومن اخافه کرد که ما روزی رامعین بوده بودیم که می توانیم هاتان آن روز از ایوان ناراج شوند. (۸) اما محتاطا رهبر ترور من در این باب مورد تردید قرار گرفته است یک پژوهشگر در رساله ای کندور ماریخ اکتبر ۱۹۷۲ منتشر گرده است می گوید هیچ اثیری نداشت ماتموم ادعای ترور من ستد نشده است.

۱ - گزارش به وزارت خارجه مورخ ۷ نوامبر ۱۹۴۴؛ استناد  
وابط خارجی مالک متحده امریکا به منتقل از کتاب

۲۱۰ ص Ervand Abrahamian  
Foreign Relations of U.S. Vol II

۱ - زاوایسیان صفحه ۲۲۹ - ۲۶۹

۲ - Elwell - Sutton P.117

۳ - خلیل ملکی صفحه ۴۲۶

۴ - F.O.371/Persia 1944-34-40241

۵ - مقدمه کا توزیعیان برخاطرات سیاسی خلیل ملکی صفحه ۲۸

۶ - همان ماءخذ صفحه ۴۰

۷ - کشاورز صفحه ۶۳

بدهمورت زد وبحکم "تقیه" میتوان در اروپا و بخاطر جلب توجه دولتمردان و احزاب و نهادهای سیاسی اروپا یعنی احکام اسلامی را موقتاً کناری نهاد. سرگشتنی رهبری مجا هدین پا یمان ناپذیر است. ادبیات مجا هدین در مقایسه آقای مسعود رجوی با امام حسین و امام اول شیعیان و "ولی بر رحق حکومت اول حاصل الرمان" به چنان مطلق گرائی رسیده است که گویی "واقعه کربلا" در اور سورا آواز در جمله‌ها تکرار می‌شود. در حالیکه مدیحه سرایان مجا هدروی فخر الدین حجاج زی و بوق و کرنا چیان خوبی را دراین باب سفید کرده‌اند، طرح انگار و رد حکومت دینی ازوی مجا هدین به مفحکه سیاه قلی بیشتر شیوه است: خنده‌ای عصبی و تلخ از این مفحکه دست می‌دهد.

بی‌گمان جوانان و نوجوانان مجا هد که یه گزارش ارگان سازمان مجا هدین در زندان‌ها نهادند. در اینجا زندان خدا وند مجموعه‌ای از اصلی‌ترین ادعیه از حفظ می‌خواستند که آخوندهای جلال روزیم حیران از این همه آگاهی دیدنی بوجای می‌نمند...، یک بار دیگر دجا را شفتگی شدید ذهنی خواهند شد. چگونه می‌توان بخاطر استقرار حکومتی اسلامی وازنوع راستین آن به شهادت رسید در حالیکه ناگهان همه پیزبان انکار وردیده تا طمع روپرور شده است این نشوحه ایان، یار دیگر گران تا قضیی پربر و خواهند شد که جزیه دیوار کوتفن جراحتی ای ریاضی حل آن پیش رخواهند داشت. دمکراتیک در انتقال جدید، کتمان و دروغگویی و فریب بعنوان اصولی اساسی گنجانند شده با شدکه درای بینصورت در مردم جوانان مجا هدبه آرام خاطری می‌رسیم و مطمئن می‌شویم که آتیا نیز از مکر گشندگانند.

سازمان مجا هدین سربه‌سنگ می‌زند. از ما را کسیم و تشیع علوی و ملی گمراهمی، است تقاضای فراهم آورده است که در بحران فقرای بینه برخوردهای واقعیات بحران را پروخالی می‌کند. سازمانی که اساس فکری اثرا بر تعالیم اسلام و از نوع "دمکراتیک و راستین" بنا کرده است چگونه می‌تواند با چرخشی هذیان آن لودا زهمه آنچه طی سالهای پیش رخته است، زوپرگرداند بدون

شورای امنیت اطلاع دهید  
و تعهد دولت شوری  
سترد می‌داود.  
پیکا در تهران بدوا شنگشن  
سی‌ها و مقامات ایرانی  
به ایران کاملاً انجام  
اس غیرنظامی هنوزیا قی  
بریکا در سازمان بلل  
مهای به مخمون بسا قی  
راتا قطعی شدن تخلیه  
بیشها دکرده و شورا بسا  
ت ایران تا ۲۵ مه انجام  
در آگرا رش دهدولی قبل از  
برخ رجه امریکا اظهار  
مربوط به یک مطلب  
ب دیگرینی مذا خسارات  
خارجی با توجه به اینکه  
کنکا بیت خود را از سوری  
ع را خالی از اشکال  
مسئله تخلیه خاتمه یافته  
ملل اطلاع داده در نظر  
دستور شورا ملحت نیست و  
کار خود بیشها دخواهد کردد  
ل ایران بعمل آورد.  
روهای شوروی تا اولیخ  
یافت درباره اینکه  
یان از تمیم قبلی خود  
عدول کند، آنچه زاستاد  
علت آن مذا خلیه  
جدی دولت امریکا بود

ادسرا های با حطلاح انقلاب اسلامی و  
حاکم شرع ۱۰۰ مردا درسی ... برآسان  
وازین شناخته شده حقوقی ... انجام  
ی شود.

را شفتشی ذهنی و سرگشتشی سیاستی و  
افظه کویا ازاولین چیزها بی است که  
سبب جبران ناپذیرمی بیند اواخر  
ماه ۱۳۵۹ وقتی لایحه قانون طرح  
داده بود، انبوه کنتری از پروانه ایان  
هر رفاهخوان میلیون خودرا برای تظاهرات  
عتراف آمیزآمده می کردند که آقای  
مینی طی سخنانی اعلام کردند که قوانین از  
عمله ایکام صریح قرآنی است و فتوح  
اد که ملیون کافر جریبی اند. آنروز  
ون هنوز بخارداد ۱۳۶۰ فاعله داشت،  
واردمجا هد مسعود در جوی و سازمان  
جها هدین همراه با چاقوکشان حرمسهای  
رب جمهوری اسلامی برای قلع و قمع  
کفران حربی "که قصاص و دیبات و  
تعزیرات" را قوانینی قرون وسطائی  
غیر انسانی میدانستند، به خیابانها  
یختدو در نهی از منکر "باجهاد" و  
ماقو و شجاع و گمنبند و پنجه میکن  
روکت کردند.

هرحال ازان روز تزدیک به پنجه ای  
گزند و مسئول اول شورای مقاومت  
"سی از" انقلاب نوین ایدئولوژیک  
ازدواجی فراترا زتموری شری؛  
ایدرا هفواری از اسلام راستین  
ی جست، که روزبه روزدست و پا گیرتر  
پیشد.

ما شوریختی مجا هدین در این است که  
در دررو روحانی سابق شان همراهان را بسا  
شنان شتابی پیموده است که مفتر و  
رویزکاری هی برای ایمان باقی نگذاشته  
است. هیچ کس از خاطر نمی بود که  
قاچی خوبی در نوبل - لو شاتو در  
باب آزادی وعدالت واستقلال چه  
ی گفت. هیچ کس این مرد <sup>۸۰</sup> ساله را  
رزی روحانیت فراموش نمی اکنده  
رنوفل - لو شاتو هرگزراز قصاص و  
یا تعدد و دو تعزیرات سخن نمی گفت.  
زمدانه ها و "انفال" هم نمی گفت،  
در عکس شکنجه را محکوم می کردد و در  
نمایش زندانیان مثله شهاده در  
زندان های ساواک به عقوفت اسلامی  
رویز می زد.

دردم ایران اگر نمی دانستند، امر روز  
ی دانندکه "کتمان" و "نقیه"  
ستا و بیزی سهمناک است. با "کتمان"  
بیتوان شتاب تزویر و فریب و دروغگویی

خواهند شد لازم است شما فورا  
که دولت ایران اعتماد کنید مل  
یارد و بهاین جهت شکایت خواهید  
در تاریخ ۵ مه کا زدا رسفارت  
گزا رئیس دادگاه پس از شور با  
و منابع دیگر معلوم می شود که  
شده است ولی محدودی افراد  
هستند . در تاریخ ۸ مه نهاد  
بوزیر خواجه کراش دادگاه قوه  
کذا شتن مسئله ایران درست  
کامل ایران از شروهای شور  
تصویب آن مقرداد شته است که  
امرا ویا لااقل آخرین وضع را  
تشکیل جلسه سفیر ایران به  
کرد که تقاضای استرداد شکایت  
یعنی تخلیه ایران بود ونه  
عمال شوروی درا مورا ایران .  
دولت ایران در تاریخ ۱۵ آوری  
یکجا مسترد کرده بود طرح  
نمی دید . اما در تاریخ ۲۱ مه  
بود به نهاد پنده امریکا درسا  
دولت امریکا حذف مسئله ایران  
دولت امریکا در صورت لزوم بد  
که شورا اقدام به تحقیق وضع  
در هر حال تخلیه خاک ایران ا  
معهود یعنی ۶ مه ۱۹۴۶ اند  
چهیزیا عث شدگه دولت شوروی  
در نگاه داشتن اولتر سرخ درا  
و مدارک وسمی ببرمی آید این  
شیوه امنیت با مشتمای سیاست

یک ما جرا جوئی دون کیشوتی تنشیا از سازمان مجاھدین و همزا دش، "شورای ملی مقاومت" برمی آید. طرح "شورا ... درباره را بطور دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران بسا دین و مذهب" عقب گردفا جه آمیزی دین و مذهب است که سازمان را از هستی سیا سی - است که سازمان را زودور همان حال دینی اش تنهی می سازد و در همان حال که آین طرح "اعمال هرگونه تبعیض، آموزش احیاری مذهبی و عقیدتی و مقررات قیاص و حدود و تعزیرات و دیات ..." را رد می کند، دقیقاً تعارضی با عنوان دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران "بدیدمی آورد" که در هیچ دستگاه منطقی متعارف، توحیه پذیر نیست.

ما زمان مجاھدین پس از بیست سال "جهان در در راه استقرار رحیومت الله" ، قسط و ماحب الزمان" دریا ریس، ناکهای "همه درونما به دینی شیعه علوی" را به کنار می نهاد و آن جا میرسد که اعلام میدارد :

"اعمال هرگونه تبعیض در مرور دپیرون ادیان و مذاهب مختلف در برخورد اداری از حقوق فردی و اجتماعی ممنوع است. هیچ یک اژدهو ندان به دلیل اعتقادی عدم اعتقادیه یک دین یا مذهب، در امر انتخاب دن دن ... انتخاب کردن ... و دیگر حقوق فردی و اجتماعی مزیت یا محرومیتی خواهد داشت."

معنا یی که از این ماده مستفادمی شود، حکایت از آن دارد که در "دولت موقت" برا در مجاہدات مسعود رجوي و پا حکومت مجاھدین، یک ایرانی مسیحی و یا یک ایرانی بها شی هم می تواند به ریاست جمهوری انتخاب شود. اسلام را ستین حکومت ماحب الزمان "را باکی نیست" .

آنچه ذرمان این سطوراً بن "طرح" میتوان برخواند، همانا یی اعتباری و روشکنگی کامل حکومت دینی است.

اسلام فقا هتی آقای خمینی طی هفت سال دستیابی به قدرت سیاسی چنان معروکه ای از فضاحت ها و فساد اخلاقی و ظالم و بی عدالتی بپا کرد که نور چشمی های مومن و معتقد دیروز، پس از فرار از مقابله "پدران روحانی سابق" در پاریس، نخست به کشف حجاب خواه رهان مجاہدست زدن و پس از آن به یاد فرهنگ ایران و سنت های ایرانی اشک ریختند و چون رسوا بی "حکومت الله" خمینی، در هیچ حدی با زنی استاد، به بزرگداشت مصدق پرداختند و ملت ایران را به جای "امت توحیدی" بی طبقه نوازش کردند.

ما زمان مجاھدین، در ماده سوم طرح می گوید: "... بالغای مقیرات قیاص و حدود و تعزیرات و دیات رژیم ضدبشری خمینی و پا انحلال دادگاهها و

مصدق و نهضت ملی ایران

درکشاکش چپ و راست

پقیہ از صفحہ ۹

دراين هنگام قوام به "علا" سفير ايران دستور داده بود که به علت  
امضاي قرارداد ازشوراي امنيت تقاضا گندكه شکایت ايران را  
از دستور خارج كنندولی در تاریخ ۱۲ آوریل وزیر خارجه امریکا  
پیا می به سفیر امریکا به این مضمون فرستاد که به قسم اسلام  
اطلاع دهد در نظر دولت امریکا استردا دشکایت ایران  
صلحت نیست جون دولت ایران قبلاً درخواست گرده بود که  
موضوع تا خروج همه نیروهای شوروی از ایران در دستور بماند  
وشورا این تقاضا را پذیرفته بود حال اگر دولت از تقاضای  
قبلی عدول کند چگونه می تواند انتظار داشته باشد که در  
آنینده هیچ دولتی به تقاضاها بپاس پرتابی اثر دهد .  
در تاریخ ۱۲ آوریل سفیر امریکا به وزیر خارجه امریکا  
کراوش داد که شب قبل سفارت نضمون پیا م دولت خسرو  
را به قوام ابلاغ گرده و قوا می باز اظهار تردید و ترس  
از عکس العمل شوروی با لآخره حاضر شده بود دستوری را که به  
عسلا داده بود به این صورت تغییر دهد که علا تقاضای  
هدف شکایت از دستور را نگذار و فقط چنانچه در شورا ازا و در این  
باب استفسار شود بگوید موضوع بسته به نظر شورا است  
در تاریخ ۱۵ آوریل سفیر ایران دستوری را که از دولت  
دریافت گرده بود به این مضمون به رئیس شورای امنیت  
ابلاغ گرد : "نظر پیا ینکه سفير شوروی دوباره امسروز  
( ۱۴ آوریل ) بطور قطع تکرار گرده است که تخلیه بلاشرط  
خاک ایران از اراضی سرخ تا تاریخ ۶ مه ۱۹۴۶ آنجام

